

## بازخوانی کرونوتوپ «شهر» در رمان تاریخ غیرت: همدان دوره صفوی

### چکیده

این مقاله به تحلیل کرونوتوپ شهر همدان در رمان تاریخ غیرت اثر سید موسی نثری همدانی می‌پردازد؛ روایتی تاریخی — ادبی که در بستر تخیل ملی اواخر دوره قاجار، حافظه فضایی شهر همدان در اواخر صفویه را بازنمایی می‌کند. مسئله اصلی پژوهش، بررسی چگونگی بازنمایی شهر همدان به‌عنوان کرونوتوپی پویا است؛ فضایی که در آن زمان تاریخی (هجوم عثمانی‌ها) و مکان شهری (دروازه‌ها، میدان‌ها و محله‌ها) به‌صورت دیالکتیکی در شکل‌دهی به روایت، هویت جمعی و کنش اجتماعی نقش ایفا می‌کنند. هدف پژوهش، ارائه الگویی میان‌رشته‌ای برای تحلیل سازمان فضایی در متون روایی تاریخی با تمرکز بر پیوند حافظه، فضا و روایت و بهره‌گیری از نقشه‌نگاری کرونوتوپی است. ضرورت این مطالعه از خلأ موجود در مطالعات ادبیات فارسی درباره بازنمایی فضاهای شهری و فقدان اسناد تصویری از ساختار فضایی همدان در دوره صفوی ناشی می‌شود. پرسش اصلی تحقیق این است: «رمان تاریخ غیرت چگونه از طریق درهم‌آمیزی مکان و زمان، سازمان فضایی و هویت شهری همدان را بازنمایی می‌کند؟». فرضیه پژوهش بر این استوار است که فضاهای شهری در این رمان نه‌تنها پس‌زمینه‌ای منفعل، بلکه عاملی فعال در پیشبرد روایت و بازتاب مقاومت اجتماعی‌اند. روش تحقیق، تحلیل محتوای کیفی متن رمان در چارچوب نظریه کرونوتوپ باختین است و برای اعتبارسنجی یافته‌ها از روش تطبیقی با منابع تاریخی، نقشه‌های شهری و پژوهش‌های مرتبط با شهر در دوره صفوی بهره گرفته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که مکان‌هایی چون میدان سنگ‌زار و دروازه‌های بهار، سنگ‌شیر، مختاران و... همزمان واجد کارکردهای روایی، اجتماعی و نمادین‌اند و به‌عنوان «هسته‌های کرونوتوپی» (گره‌های زمان — مکان)، حافظه جمعی و هویت شهری را سامان می‌دهند. همچنین، تقابل زمان تاریخی با مکان، شهر را به «پالیمپسست حافظه» (چندلایگی معنایی) یا بستری چندلایه از تجربه، کنش و معنا بدل می‌سازد. نتیجه‌گیری پژوهش تأکید دارد که کرونوتوپ شهر در این رمان نه‌تنها بازتاب‌دهنده شرایط تاریخی، بلکه سازنده معنا و حافظه شهری است.

### واژگان کلیدی

کرونوتوپ، شهر همدان، رمان تاریخ غیرت، میخائیل باختین، حافظه فضایی، نقشه‌نگاری کرونوتوپی

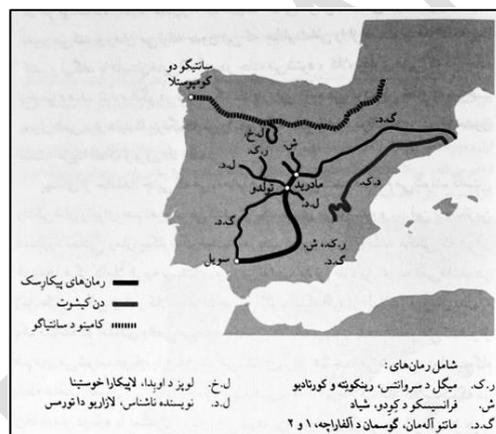
مفهوم کرونتوپ<sup>۱</sup>، به معنای درهم‌تنیدگی زمان و مکان در روایت، نخستین بار توسط میخائیل باختین (۱۹۸۱ م) مطرح شد و به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در تحلیل ساختارهای روایی شناخته می‌شود. این مفهوم، با الهام از نظریه نسبیت اینشتین<sup>۲</sup> و مطالعات زیستی اوختومسکی<sup>۳</sup>، رابطه دیالکتیکی میان زمان، مکان و کنش انسانی را در بستر روایت ادبی بررسی می‌کند. باختین تأکید دارد که زمان و مکان در روایت، نه پس‌زمینه‌ای منفعل، بلکه عناصر فعالی در سازمان‌دهی معنا، شخصیت‌پردازی و جهت‌گیری پیرنگ یا خط داستانی هستند. در این چارچوب، رمان تاریخی به‌دلیل پیوند عمیق با واقعیت‌های زمانی و مکانی، بستری مناسب برای تحلیل کرونتوپ فراهم می‌آورد. رمان تاریخ غیرت نوشته سید موسی نثری همدانی (۱۳۷۸ ه.ش)، از نویسندگان اواخر قاجار، درباره وقایع تاریخی مربوط به واپسین سالهای حکومت صفوی در شهر همدان نگاشته شده است. این اثر، با تلفیق عناصر تاریخی و ادبی، تصویری پویا از شهر همدان ارائه می‌دهد؛ جایی که فضاهای شهری مانند میدان‌ها، دروازه‌ها و محله‌ها نقشی کلیدی در پیشبرد روایت ایفا می‌کنند. ساختار روایی رمان، شامل نثر تاریخی، صحنه‌پردازی‌های شهری و دیالوگ‌های شبه‌نمایشی است که مکان را به کنشگر روایی بدل می‌سازد. جایگاه اجتماعی و علمی نویسنده، همراه با نزدیکی زمانی او به وقایع روایت‌شده، اعتبار حافظه‌مند و تجربه‌زیسته‌ای به متن بخشیده است. با توجه به فقدان اسناد تصویری از سازمان فضایی همدان در دوره صفوی، این رمان به‌عنوان یک متن روایی بومی، امکان بازخوانی تخیل فضایی نویسنده را فراهم می‌آورد. مسئله اصلی پژوهش، بررسی نحوه بازنمایی شهر همدان در این رمان به‌عنوان کرونتوپ پویا است؛ فضایی که در آن زمان تاریخی (هجوم عثمانی‌ها) و مکان شهری (دروازه‌ها، میدان‌ها، محله‌ها) در شکل‌گیری هویت جمعی و مقاومت اجتماعی نقش ایفا می‌کنند. هدف اصلی تحقیق، تحلیل کارکرد کرونتوپ شهر در روایت موسی نثری و فهم سازمان زمان - مکانی تخیل ملی در بستر تاریخی اواخر قاجار است. اهداف فرعی شامل شناسایی مکان‌های کلیدی روایت و نقش آن‌ها در پیشبرد داستان، بررسی تنش میان زمان و مکان در ساختار روایی، و تحلیل تأثیر فضاهای شهری بر شکل‌گیری حافظه جمعی است. ضرورت این پژوهش از دو جهت قابل طرح است: نخست، از منظر نظری، این مطالعه با به‌کارگیری نظریه کرونتوپ باختین در ادبیات فارسی، به گسترش دامنه این نظریه در زمینه‌های غیرغربی و پیوند آن با مفاهیم مطالعات شهری کمک می‌کند. دوم، از منظر عملی، تحلیل ابعاد فضایی رمان‌های تاریخی می‌تواند مدلی مقدماتی برای استخراج الگوی سازمان فضایی در شهرهایی باشد که فاقد اسناد تصویری‌اند و درک عمیق‌تری از رابطه انسان و شهر در شرایط بحرانی فراهم آورد. پرسش اصلی تحقیق این است که «رمان تاریخ غیرت چگونه با تلفیق مکان و زمان، تصویر حافظه‌مند از سازمان فضایی همدان صفوی را در تخیل ملی اواخر قاجار بازنمایی می‌کند؟» فرضیه اصلی پژوهش بیان می‌دارد که فضاهای شهری در این رمان، نه بازتابی مستقیم از کالبد تاریخی شهر، بلکه عناصر فعالی در سازمان‌دهی روایت و خلق معنا هستند. فرضیه‌های فرعی نشان می‌دهند که میدان سنگ‌زار به‌عنوان مرکز کرونتوپ شهر، واجد کارکردهای روایی، اجتماعی و نمادین است و دروازه‌های شهر به‌عنوان مرزهای امنیتی و نمادین، تجسم‌بخش تنش میان زمان تاریخی و مکان شهری‌اند. این پژوهش با تکیه بر چارچوب نظری کرونتوپ باختین و بهره‌گیری از تحلیل کیفی روایت، می‌کوشد پیوندهای درهم‌تنیده میان فضا، زمان و کنش انسانی را در رمان تاریخ غیرت واکاوی کند و چشم‌اندازهای تازه‌ای برای مطالعات ادبی و شهری بگشاید.

## ۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل کرونتوپ شهری همدان در خلال محاصره عثمانی‌ها، بر پایه خوانش روایی رمان تاریخ غیرت سید موسی نثری همدانی طراحی شده است. این رمان، به‌عنوان متنی برآمده از تخیل ملی در اواخر دوره قاجار، بازتابی از حافظه فضایی شهر همدان در بستر تاریخی اواخر صفوی ارائه می‌دهد (نثری، ۱۳۹۹ ه.ش). با توجه به فقدان اسناد نقشه‌ای یا تصویری درباره سازمان فضایی همدان در آن دوره، این مطالعه می‌کوشد با بهره‌گیری از تحلیل محتوای کیفی و نقشه‌نگاری روایی، الگوی فضایی پنهان در متن را استخراج و بازسازی کند. هدف از این بازسازی، نزدیک شدن به بازنمایی کالبد تاریخی شهر، از طریق فهم نحوه سازمان‌دهی زمان و مکان در تخیل روایی و تحلیل چگونگی بازنمایی فضاهای شهری در روایت ادبی است. رویکرد پژوهش، توصیفی - تحلیلی، کیفی و میان‌رشته‌ای است و مفاهیم نظریه کرونتوپ باختین را با دیدگاه‌های فضا‌محور در شهرسازی و روایت‌پژوهی تلفیق می‌کند.

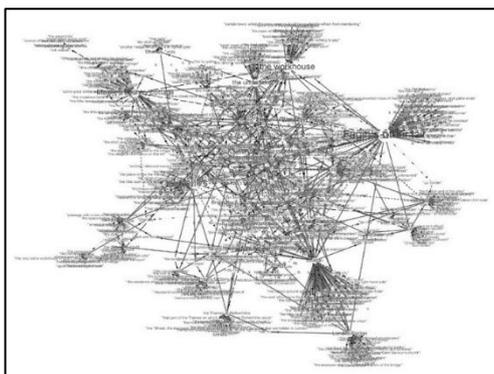
در سال‌های اخیر، سه جریان نوظهور در مطالعات میان‌رشته‌ای ادبیات، زمینه‌ساز تحول روش‌شناسی در تحلیل فضا‌مند متون

روایی شده‌اند: *جغرافیای ادبی*<sup>۴</sup>، *نقشه‌نگاری ادبی*<sup>۵</sup>، و *نقشه‌نگاری روایی*<sup>۶</sup>. هر یک از این رویکردها، با عبور از سنت‌های متن‌محور، تلاش کرده‌اند تا فضاهای داستانی را نه صرفاً به‌عنوان پس‌زمینه روایت، بلکه به‌مثابه ساختارهایی فعال در تولید معنا، حافظه و تجربه زیسته تحلیل کنند. *جغرافیای ادبی* به بررسی رابطه میان مکان‌های واقعی و خیالی در متون ادبی می‌پردازد و تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه تجربه مکانی نویسنده یا خواننده در شکل‌گیری معنا و حافظه نقش دارد. این حوزه، بیشتر بر پیوند ادبیات با زمینه‌های فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی تمرکز دارد. *نقشه‌نگاری ادبی*، زیرشاخه‌ای کاربردی‌تر از جغرافیای ادبی است که با بهره‌گیری از ابزارهای بصری و جغرافیایی (مانند GIS، نمودارهای توپولوژیک یا مدل‌های داده‌محور)، به بازنمایی فضاهای داستانی در قالب نقشه‌های تعاملی<sup>۷</sup> می‌پردازد. هدف این رویکرد، تحلیل روابط مکانی، حافظه فرهنگی و تراکم روایی در متن است و بیشتر در پروژه‌های اطلس‌سازی یا مطالعات داده‌محور ادبیات به‌کار می‌رود. در مقابل، *نقشه‌نگاری روایی* تمرکز خود را بر ساختار روایت و نحوه سازمان‌یابی فضا (کرونوتوپ) در متن می‌گذارد. این روش، با تحلیل تعامل میان پیرنگ (خط داستانی)، شخصیت‌ها، زمان روایی و مکان‌های روایی، می‌کوشد الگوی فضایی روایت را استخراج و تجسم‌پذیر کند. *نقشه‌نگاری کرونوتویی*، شکل پیشرفته‌تری از این رویکرد است که بر درهم‌تنیدگی زمان و مکان در روایت تمرکز دارد و امکان تحلیل لایه‌های معنایی روایت در بستر فضا-زمان را فراهم می‌آورد. در تحول *نقشه‌نگاری روایی* به *نقشه‌نگاری کرونوتویی*، می‌توان سه مرحله مهم را در تاریخ این رویکرد شناسایی کرد. نخست، فرانکو مورتی با ارائه مدل‌های توپولوژیک در آثاری چون *اطلس رمان اروپایی ۱۸۰۰-۱۹۰۰*<sup>۸</sup> (۱۹۹۷ م.) و *نمودارها، نقشه‌ها، درختواره‌ها: مدل‌های انتزاعی برای تاریخ ادبیات*<sup>۹</sup> (۲۰۰۵ م.)، نشان داد که مکان‌های داستانی در رمان‌های قرن نوزدهم، ساختارهای معنایی و ژانری را شکل می‌دهند و در سازمان‌دهی روایت نقش فعالی ایفا می‌کنند. سپس، باربارا پیاتی و همکارانش در پروژه *اطلس ادبی اروپا*<sup>۱۰</sup> (۲۰۱۷ م.)، با استفاده از فناوری‌های GIS و طراحی مدل داده‌ای خاص، نقشه‌هایی تعاملی از فضاهای داستانی تولید کردند که امکان تحلیل چندلایه‌ای از روابط فضایی-زمانی، حافظه فرهنگی و تراکم روایی را فراهم ساخت.

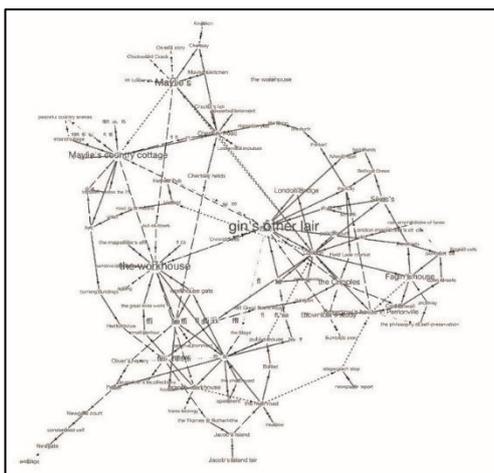


شکل ۱. جاده‌های اسپانیا و سرآغاز رمان پیکارسک اروپایی - منبع فرانکو مورتی، ۱۹۹۷

در جدیدترین تحول حوزه نقشه‌نگاری کرونوتویی، سالی بوشل و همکاران (۲۰۲۱ م.) در مقاله *نقشه‌نگاری کرونوتویی: نگاشت زمان - مکان ادبی*<sup>۱۱</sup>، با تمرکز بر رمان *اولیور توئیست*، روشی پیشرفته برای تجسم کرونوتوپ‌های شهری ارائه دادند. این روش با بهره‌گیری از گراف‌های توپولوژیکی، شبکه‌ای پیچیده از فضاهای واقعی و خیالی را در ساختار روایی ترسیم می‌کند و امکان تحلیل لایه‌های معنایی، حافظه شهری و تنش‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد. نویسندگان با تفکیک میان *توپوس‌ها*<sup>۱۲</sup> (مکان‌های روایی) و *توپورف‌ها*<sup>۱۳</sup> (ارجاعات مکانی)، نشان می‌دهند که فضاهای واقعی مانند «پل لندن» و فضاهای خیالی مانند «لانه فاگین» چگونه در روایت به هم پیوند می‌خورند و معنا تولید می‌کنند. این مطالعه همچنین با تحلیل گونه‌های مختلف کرونوتوپ - از جمله فضاهای واقع‌نما، آستانه‌ای، فانتزی و گفت‌وگو محور - نشان می‌دهد که روایت شهری دیکنز واجد سازمانی پالیمپست<sup>۱۴</sup> و چند لایه است که از طریق نقشه‌نگاری قابل تجسم و تحلیل می‌شود. نقشه کامل<sup>۱۵</sup> رمان (شکل ۲) با ترسیم تمامی توپوس‌ها و توپورف‌ها، شبکه‌ای پیچیده از ارتباطات فضایی را آشکار می‌سازد و بر برتری فضای شهری لندن نسبت به محیط‌های روستایی تأکید دارد؛ هرچند تراکم بالای داده‌ها، چالش‌هایی برای خوانش دقیق روابط فضایی ایجاد می‌کند (بوشل و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۱). نقشه توپوس‌ها (شکل ۳) با تمرکز بر مکان‌های نمادین، ساختار دوگانه رمان را به دو خوشه شهری (بالا) و روستایی/شهرکی (پایین) تقسیم می‌کند و سلطه فضای جنایی پنهان در زیر سطح لندن رسمی را به تصویر می‌کشد. (همان: ۱۵)

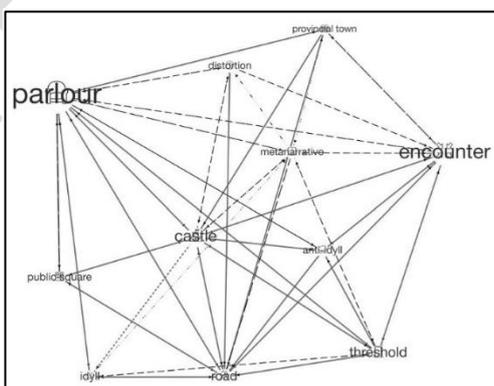


شکل ۲. نقشه کامل؛ نقشه‌نگاری کرونتوپوی رمان *اولیور توییست* - منبع بوشل و همکاران، ۲۰۲۱



شکل ۳. نقشه توپوس‌ها (مکان‌های روایی)؛ نقشه‌نگاری کرونتوپوی رمان *اولیور توییست* - منبع بوشل و همکاران، ۲۰۲۱

نقشه عمیق یا ژرف‌سنجانه<sup>۱۶</sup> (شکل ۴)، تنوع کرونتوپیک رمان را با نمایش شش گونه اصلی تحلیل می‌کند و برخلاف انتظار، «اتاق پذیرایی»<sup>۱۷</sup> را به‌عنوان کرونتوپ مسلط<sup>۱۸</sup> معرفی می‌کند؛ فضایی محصور و گفت‌وگومحور که نقش کلیدی در پیشبرد روایت دارد (همان: ۱۱). در نهایت، نقشه تلفیقی کرونتوپ‌ها و توپوس‌ها<sup>۱۹</sup>، پویایی مکان‌های روایی را از طریق پیوند این دو عنصر نشان می‌دهد و ساختار پیوسته گره‌های فضایی را به‌مثابه بازتابی از سبک پانورامیک<sup>۲۰</sup> دیکنز و ماهیت تربیتی رمان<sup>۲۱</sup> برجسته می‌سازد.



شکل ۴. نقشه عمیق کرونتوپوی؛ نقشه‌نگاری کرونتوپوی رمان *اولیور توییست* - منبع بوشل و همکاران، ۲۰۲۱

پژوهش حاضر با الهام از الگوی بوشل و همکاران، فرآیند تحلیل را در چهار مرحله سامان داده است. ابتدا تمامی مکان‌هایی که در روایت دارای کنش زمانی مشخص و نقش فضایی متمایز بودند، استخراج و طبقه‌بندی شدند. داده‌های گردآوری شده شامل نام مکان، نوع رویداد (جنگی، سیاسی، اجتماعی، عاشقانه، چریکی)، بازه زمانی وقوع و کارکرد روایی فضا بودند. این داده‌ها در قالب جدول‌هایی ساختار یافتند که در بخش یافته‌ها ارائه شده‌اند. در مرحله دوم، بر اساس بسامد وقوع و تنوع کارکردی هر فضا، تحلیل اولویت‌بندی صورت گرفت. حاصل این تحلیل، تقسیم‌بندی فضاهای شهری به سه دسته است: مکان‌های مرکزی با نقش روایی

برجسته (مانند میدان سنگ‌زار و دروازه‌ها)، فضاهای گذار یا تاکتیکی (مانند کوچه‌ها و بازارچه‌ها)، و مکان‌هایی با نقش پس‌زمینه در روایت (مانند برخی محله‌های توصیفی). هدف از این تقسیم‌بندی، شناخت لایه‌های کارکردی فضا در متن روایی و فراهم‌سازی امکان تعمیم‌پذیری آن به سایر متون تاریخی - روایی بوده است. در مرحله سوم، با بهره‌گیری از الگوی پیشنهادی بوشل و همکاران، نقشه نگاری کرونوتویی یا زمان - مکان همدان بر اساس روایت صورت گرفت. گره‌های پرکشش فضایی - زمانی (مکان‌هایی با تنوع کنش و موقعیت زمانی متمایز) شناسایی و روابط مستقیم و غیرمستقیم میان آن‌ها ترسیم شد. این گام با استفاده از نقشه‌های تاریخی از شهر همدان و ترسیم دستی مسیرهای کنش روایی انجام گرفت. در نهایت، سه نقشه طراحی شد: نقشه توبویی (نقاط داغ روایت)، نقشه کرونوتوپ عمیق (روابط زمان - مکان در بستر جنگ)، و نقشه ترکیبی نهایی که سازمان فضایی شهر را به‌مثابه پالیمپستی (چندلایگی) زمانی از پیش از محاصره تا سقوط نمایش می‌دهد.

در نهایت، برای اعتبارسنجی یافته‌ها، از روش مثلث‌سازی<sup>۲۲</sup> استفاده شده است؛ روشی که با تلفیق سه منبع مستقل، امکان بررسی هم‌زمان روایت ادبی، اسناد تاریخی و نقشه‌های شهری را فراهم می‌سازد. در این پژوهش، داده‌های مکانی استخراج‌شده از متن رمان با اطلاعات موجود در سفرنامه‌های دوره قاجار، نقشه‌های تاریخی همدان، و منابع پژوهشی مرتبط با سازمان فضایی شهر در دوره صفویه مقایسه شده‌اند. برای این کار منابعی چون سفرنامه‌های اولیاء چلبی (۱۴۰۴: ۴۰)، جکسون (۱۳۸۷: ۱۸۱)، باکینگهام (۱۳۸۰: ۴۴۹)، فلاندن (۱۳۵۶: ۱۸۰)، چریکف (۱۳۵۸: ۸۴) و...؛ نقاشی نصح مطراقچی (۱۳۷۹: ۹۷) نقاش دربار عثمانی از شهر همدان در سال ۱۵۴۳ م. (شکل ۶)، نقشه گروه نقشه برداران ستاد پرسکوریاکف ارتش روسیه در سال ۱۸۵۰ م. (شکل ۹. الف) و نقشه ویلیامز جکسون در ۱۹۱۰ م. (شکل ۹. ب)؛ و همچنین پژوهش‌های سوسن بابایی (۲۰۰۸ م./۵۱۴۰۰ ش.)، کشور رضوی (۲۰۱۱ م.) و لیلان بلیان (۲۰۱۶ م./۱۳۹۵ ش.) در زمینه شهر صفوی به‌عنوان شواهدی برای بررسی زمینه‌های فرهنگی و عناصر نمادین شهر همدان مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این تطبیق‌ها صرفاً در مواردی انجام شده‌اند که متن رمان به‌وضوح به عناصر فضایی خاصی اشاره دارد و هدف از آن، فهم نحوه بازنمایی فضا در تخیل روایی است، نه بازسازی کالبد تاریخی شهر. در مجموع، این روش، خوانشی روایی - فضا‌مند از شهر همدان ارائه می‌دهد که بر تعامل میان زمان، مکان، و کنش انسانی در روایت تمرکز دارد و می‌تواند در مطالعات ادبی و شهری، به‌ویژه در شرایط فقدان اسناد تصویری، افق‌های جدیدی بگشاید. همچنین، این مطالعه نشان می‌دهد که نقشه‌نگاری کرونوتویی نه تنها ابزاری برای تحلیل روایت، بلکه بستری برای بازاندیشی در نظریه شهری و حافظه فضایی است.

### ۳. پیشینه پژوهش

#### ۲-۱. مرور ادبیات موضوعی

مفهوم کرونوتوپ در مطالعات ادبی، به‌ویژه در تحلیل فضاهای شهری، در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. باختین (۱۹۸۱ م.) این اصطلاح را برای توصیف پیوند درونی زمان و مکان در روایت مطرح کرد و پژوهشگران متعددی در غرب، از جمله گومل (۲۰۱۱ م.)، بورلینا (۲۰۲۱ م.)، روبوچکی (۲۰۲۱ م.) و سیلوا (۲۰۲۲ م.)، با تمرکز بر شهرهایی چون لندن، پاریس، نیویورک و سن‌پترزبورگ، به بررسی نقش کرونوتوپ در بازنمایی حافظه تاریخی، تروما و ساختارهای اجتماعی پرداخته‌اند. در ایران نیز مطالعاتی مانند آثار حبیبی (۱۳۸۹ ش.)، نادرکردی (۱۴۰۲ ش.)، قوامی و منصور (۱۴۰۲ ش.)، و آقاجمالی و سپهران (۱۴۰۰ ش.)، به‌صورت محدود به بازنمایی شهر در ادبیات فارسی پرداخته‌اند و در برخی موارد، مفهوم کرونوتوپ را به‌صورت ضمنی یا مستقیم به‌کار گرفته‌اند. در دهه‌های اخیر، نقشه‌نگاری کرونوتویی<sup>۲۳</sup> به‌عنوان یکی از روش‌های نوین در مطالعات فضا‌مند ادبیات توسعه یافته است. مورتی (۱۹۹۷، ۲۰۰۵ م.) با تحلیل نقشه‌محور رمان‌های قرن نوزدهم اروپا، چارچوبی میان‌رشته‌ای برای مطالعه فرم‌های روایی ارائه داد. بیاتی و همکارانش (۲۰۱۷ م.) در پروژه *اطلس ادبی اروپا*<sup>۲۴</sup>، با بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعات مکانی، نقشه‌های دیجیتال تعاملی<sup>۲۵</sup> از فضاهای داستانی تولید کردند. بوشل و همکاران (۲۰۲۱ م.) نیز با استفاده از گراف‌های توپولوژیکی، شبکه‌های پیچیده از فضاهای واقعی و خیالی در رمان *اولیور توئیست* ترسیم کردند. این مطالعات، نقشه‌نگاری کرونوتویی را به ابزاری مؤثر برای تحلیل حافظه فضایی، تنش‌های اجتماعی و سازمان معنایی روایت‌های شهری بدل کرده‌اند. در جمع‌بندی مطالعات تطبیقی، پژوهش‌های غربی عمدتاً بر تحلیل ساختارهای فضایی چندلایه و روابط غیرخطی زمان - مکان در بسترهای تروما و حافظه تاریخی تمرکز دارند. در مقابل، مطالعات ایرانی بیشتر به بازنمایی شکاف‌های فرهنگی میان سنت و مدرنیته و بومی‌سازی الگوهای کرونوتویی گرایش دارند. دو دستاورد مشترک این مطالعات عبارتند از: (۱) برجسته‌سازی شهر به‌مثابه صحنه تضادهای ایدئولوژیک؛ (۲) بهره‌گیری از کرونوتوپ

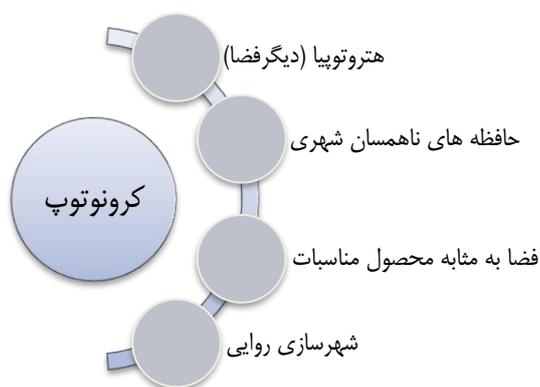
برای تحلیل پیوند فرد و جامعه. با این حال، تحلیل سازمان فضایی شهر همدان از منظر کرونتوپ، به‌ویژه در قالب روایت موسی نثری و با رویکرد میان‌رشته‌ای، تاکنون به‌صورت مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است. مقاله حاضر با تمرکز بر رمان تاریخ غیرت، تلاش دارد این خلأ را پر کند و نشان دهد که روایت ادبی، می‌تواند بستری مشروع برای بازخوانی حافظه‌مند سازمان فضایی شهر باشد. نوآوری این پژوهش در تلفیق نظریه کرونتوپ با تحلیل فضا‌مند روایت، بهره‌گیری از منابع تاریخی و نقشه‌ای، و ارائه مدلی مقدماتی برای خوانش حافظه فضایی در ادبیات شهری ایران است.

### جدول ۱. تحلیل مقایسه‌ای منابع مرتبط با کرونتوپ شهر در ادبیات فارسی و جهانی - منبع نویسندگان، ۱۴۰۴

منبع	هدف مطالعه	دستاوردهای کلیدی
والتر آل. رید (۲۰۱۱)	بررسی نمایش شهر لندن در ادبیات رمانتیک بریتانیا با استفاده از کرونتوپ.	نمایش لندن به‌عنوان فضای «غیرت» و بیگانگی، تأکید بر طبیعت، گذشته تاریخی و طبقات پایین جامعه.
سیدمحسن حبیبی (۲۰۱۱)	بررسی رابطه زمان‌مکان در بازنمایی تهران در ادبیات قرن ۱۴ خورشیدی.	تحلیل دیالکتیک زمان‌مکان، تأثیر تحولات شهری بر ادبیات، تمرکز بر آثار هدایت و نیما.
النا گومل (۲۰۱۱)	مطالعه کرونتوپ شهری در «خانه متروک» دیکنز و تطبیق با ادبیات فارسی.	ترسیم محورهای قدرت و تجربه شهری، تحلیل شهر به‌عنوان فضای هراس و گسست.
پترا اکهارد (۲۰۱۱)	تحلیل کرونتوپ‌های ناآشنا در رمان‌های پست‌مدرن نیویورک.	شناسایی سازوکارهای روایی چندلایه برای بازنمایی تروماهای فردی و جمعی.
هالگه ویدار هولم (۲۰۱۷)	بررسی کرونتوپ‌ها در بازنمایی تاریخ پاتریک مودیانو (رمان «دورا برودر»).	شهر به‌عنوان بستر روایی برای احیای گذشته، پیوند زمان و مکان در بازنمایی تروما.
پکا کوسستو (۲۰۱۸)	توسعه کرونتوپ باختین برای تحلیل ادبیات جهانی.	شهر به‌عنوان فضای چندصدایی، بررسی رم و پاریس، تأکید بر مولد بودن معانی فرهنگی.
بایت رابوچکی (۲۰۲۱)	تحلیل بی‌عدالتی فضایی در رمان «سگ‌هایشان...» با کرونتوپ.	ترکیب کرونتوپ و پالمپست، نمایش پیوند فرد و تاریخ جمعی، مدل برای شهرهای ایرانی.
النا یا. بورلینا (۲۰۲۱)	مقایسه کرونتوپ‌های سن‌پترزبورگ.	تفکیک شهر به «نمادین» و «زیسته»، چارچوبی برای تحلیل تنش‌های اجتماعی.
سیلوا ای سیلوا (۲۰۲۲)	معرفی «کرونتوگرافی» به‌عنوان چارچوب روایی میان‌رشته‌ای.	گسترش نظریه کرونتوپ برای تحلیل فضاهای شهری آینده‌نگر و بدیل‌ساز.
بهزاد آقاجمالی و کامران سپهران (۲۰۲۲)	مقایسه بازنمایی تهران در نمایشنامه‌های مشروطه و پهلوی.	حذف عمدی تهران در پهلوی، جایگزینی با اسطوره‌ها، تحلیل ایدئولوژی حکومتی.
بدریه قوامی و نعمت منصور (۲۰۲۳)	بررسی کرونتوپ‌ها در «عزاداران بیل».	شناسایی پروفایل‌های کرونتوپی، تأکید بر «آستانه»، تطبیق نظریه باختین.
فرشته مظهری و همکاران (۲۰۲۴)	تحلیل کرونتوپ در آثار پارسی‌پور.	بازتعریف فضاهای نمادین، رابطه کرونتوپ با هویت و جنسیت، ترسیم سلسله‌مراتب.
محمد نادر کردی (۲۰۲۴)	تحلیل کرونتوپ در رمان‌های دهه ۴۰ فارسی.	معرفی «پیوستار سکون»، تقابل فرم و بافت اجتماعی، نقش «خیابان» به‌عنوان آستانه.

### ۲-۲. چارچوب نظری

تحلیل روایت‌های شهری، به‌ویژه در متونی که بازنمایی فضایی را با حافظه تاریخی تلفیق می‌کنند، نیازمند چارچوبی نظری است که بتواند تعامل میان زمان، مکان و کنش انسانی را در بستر روایت تبیین کند. در این پژوهش، پنج نظریه کلیدی به‌عنوان بنیان مفهومی انتخاب شده‌اند: کرونتوپ باختین (۱۹۸۱)، هتروتوپیا<sup>۲۶</sup> فوکو (۱۹۸۶)، حافظه‌های ناهمسان شهری<sup>۲۷</sup> جیکوبز (۱۹۹۶)، فضاهای مناسبانی<sup>۲۸</sup> مسی (۲۰۰۵) و شهرسازی روایی<sup>۲۹</sup> آمیل (۲۰۲۰). این نظریه‌ها، هر یک از منظری خاص، امکان خوانش فضاهای شهری را به‌مثابه ساختارهایی چندلایه، متضاد و معناساز فراهم می‌آورند. کرونتوپ باختین، با تمرکز بر پیوند درونی زمان و مکان در روایت، بستری برای شناسایی گره‌های فضازمان در ساختار روایی فراهم می‌سازد (Bakhtin, 1981). نظریه فوکو با مفهوم هتروتوپیا، به فضاهایی<sup>۳۰</sup> می‌پردازد که همزمان واقعی و نمادین‌اند و ظرفیت بازنمایی بحران و نظارت را دارند (Foucault, 1986). جیکوبز با طرح حافظه‌های ناهمسان شهری، فضاهای شهری را محل تقابل روایت‌های رسمی و مردمی می‌داند (Jacobs, 1996). مسی، با تأکید بر پویایی مناسبات اجتماعی، فضا را شبکه‌ای در حال شدن معرفی می‌کند (Massey, 2005). آمیل نیز با نظریه شهرسازی روایی، نقش متون ادبی را در شکل‌دهی به سناریوهای آینده شهری برجسته می‌سازد. (Ameel, 2020)



شکل ۵. نمودار مفهومی کرونوتوپ شهر در رمان تاریخی - منبع نویسندگان، ۱۴۰۴

در کنار نظریه‌های اصلی، دو مفهوم پالیمپست حافظه<sup>۳۱</sup> و حافظه‌مندی روایی<sup>۳۲</sup> نیز به‌عنوان ابزارهای تحلیلی در این پژوهش به‌کار گرفته شده‌اند. مفهوم پالیمپست حافظه، که در آثار آندریاس هویسن (Huysen, 2003) در مطالعات حافظه شهری و در کتاب سارا دیلون (Dillon, 2007) در زمینه نقد ادبی مطرح شده، به فضاهایی اشاره دارد که لایه‌های تاریخی، زیسته و روایی در آن‌ها انباشته شده‌اند و ردپای گذشته در ساختار کنونی فضا باقی مانده است. مفهوم حافظه‌مندی روایی نیز در مطالعات آسترید ارل (Ertl, 2011) و آن رگنی (Rigney, 2012) به ظرفیت روایت برای بازنمایی، انتقال و بازآفرینی خاطره جمعی در بستر زمان و مکان اشاره دارد. چنین نگاهی، امکان فهم فضاهای شهری را به‌عنوان بستری برای انباشت معنا، بازنویسی تاریخی و تعامل حافظه و روایت فراهم می‌سازد. این چارچوب، زمینه تحلیل روایت نثری از شهر همدان را در رمان تاریخ غیرت فراهم می‌کند و امکان بررسی حافظه‌مندی روایت، پویایی اجتماعی و تخیل فضایی را در تقاطع ادبیات و شهرسازی مهیا می‌سازد. نوآوری این پژوهش در تلفیق نظریه‌های فضا محور با تحلیل روایی، و بهره‌گیری از منابع تاریخی و نقشه‌ای برای بازخوانی سازمان فضایی شهر در بستر روایت است.

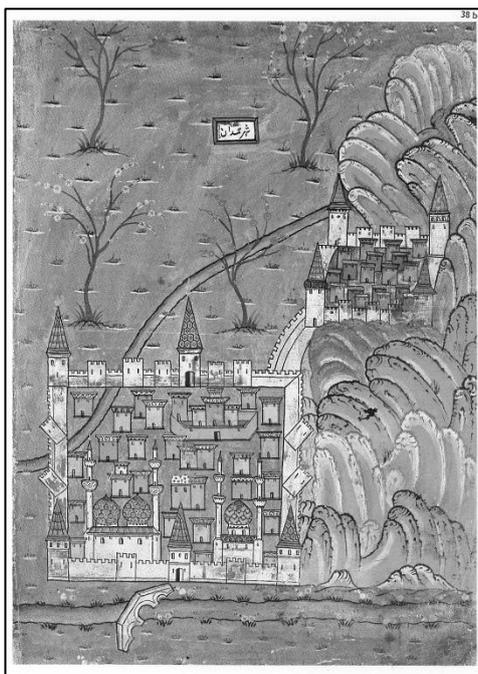
#### ۴. یافته‌ها و بحث

رمان تاریخ غیرت اثر سیدموسی نثری همدانی، از نویسندگان اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی، درباره وقایع تاریخی مربوط به اواخر دوره صفوی در شهر همدان نگاشته شده است. زمینه نگارش آن، بازتابی از دغدغه‌های ملی‌گرایانه و بازخوانی مقاومت‌های مردمی در برابر تهاجمات خارجی در بستر فروپاشی سیاسی صفویان است. وقایع داستان در سال ۱۱۳۶ هجری شمسی، یعنی در اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری قمری، در شهر همدان رخ می‌دهد. روایت حول شخصیت‌هایی چون احمدخان، آقاعلی، حاکم همدان و نایب محمد شکل می‌گیرد که درگیر سازماندهی دفاع شهری، مقابله با خیانت داخلی، و نبردهای مردمی در برابر نیروهای مهاجم هستند (نثری، ۱۳۹۹ ه.ش). ساختار داستان تلفیقی از نثر تاریخی، صحنه‌پردازی‌های شهری، و دیالوگ‌های شبه‌نمایشی است که فضاهای شهری را به عناصر روایی فعال بدل می‌کند. سید موسی نثری همدانی، افزون بر نویسندگی، از چهره‌های مطلع و تأثیرگذار در تاریخ، ادبیات و سیاست شهری همدان بوده و در جنبش مشروطه نیز نقش فعالی داشته است. این جایگاه علمی و اجتماعی، به روایت او از مکان و زمان در رمان، نوعی اعتبار حافظه‌مند و تجربه‌زیسته بخشیده است. با توجه به تولد نویسنده در سال ۱۲۶۰ هجری شمسی، فاصله زمانی نسبتاً کوتاه میان زمان زیست او و وقایع روایت‌شده، احتمال دسترسی او به منابع زنده، حافظه شفاهی و روایت‌های محلی را افزایش می‌دهد. از این‌رو، می‌توان فرض کرد که تصویر شهری بازتاب‌یافته در متن، تا حدی متأثر از حافظه فضایی همدان صفوی است - هرچند این بازتاب، به‌طور قطع تخیلی، بازنماییانه و واسطه‌دار است. بنابراین، تحلیل کرونوتوپ در این متن نه به‌منظور بازسازی مستقیم کالبد شهر، بلکه برای فهم سازمان زمان - مکانی تخیل ملی در بستر تاریخی اواخر قاجار صورت می‌گیرد. تاریخ نگارش نسخه خطی این رمان مربوط به سال ۱۲۷۶ هجری شمسی، یعنی تقریباً ۱۲۳ سال پیش است. نگارش چنین اثری در آن زمان، عملی متهورانه به‌شمار می‌آید. آن‌گونه که از تاریخ و داده‌های متن برمی‌آید، زمان نگارش این رمان یک‌سال پس از آغاز سلطنت مظفرالدین‌شاه بوده و ایران هنوز با تجربه مشروطه فاصله داشته است. این رمان عاشقانه - تاریخی، در زمانی نوشته شده که نویسنده کمتر از بیست‌سال داشته و طی یک سال آن را به پایان رسانده است. نسخه اصلی اثر به‌صورت خطی دست‌نویس بوده و برای سال‌ها در کتابخانه‌های شخصی محفوظ مانده است. نسخه‌ای از آن در سال‌های اخیر توسط پژوهشگران

همدانی تصحیح و منتشر شده است (به خیال، ۱۴۰۰). نسخه‌شناسی اثر نشان می‌دهد که متن دارای ویژگی‌های نثر متأخر صفوی و قاجاری، واژگان محلی، و ساختار روایی خاصی است که اصالت آن را تقویت می‌کند. با وجود برخی نشانه‌های بازنویسی یا دخل و تصرف‌های محلی، سبک، زبان و انسجام روایی نسخه موجود، اصالت قابل دفاعی دارد و می‌توان آن را به‌عنوان سندی ادبی - تاریخی معتبر در بازتاب تخیل ملی و حافظه شهری تلقی کرد.

تحلیل کرونوتوپیک رمان تاریخ غیرت بر اساس چارچوب نظری باختین نشان می‌دهد که شهر همدان در این اثر نه به‌عنوان بستری منفعل، بلکه به‌مثابه کنشگری روایی ظاهر می‌شود که در شکل‌دهی به پیرنگ (خط داستانی)، شخصیت‌ها و معناسازی جمعی نقش بنیادین ایفا می‌کند. همان‌گونه که باختین بر درهم‌تنیدگی زمان و مکان در روایت تأکید دارد، فضاهای شهری مانند میدان سنگ‌زار و دروازه‌های شهر همدان در این رمان به عرصه‌هایی تبدیل می‌شوند که زمان مقاومت و مکان‌های اجتماعی در آن‌ها هم‌زمان و هم‌افزا حاضرند. این مکان‌ها سه کارکرد هم‌زمان دارند: از منظر روایی، نقاط گره‌افکنی و تحول کنش داستانی‌اند؛ از منظر اجتماعی، محل تجمع، تعامل و مقاومت گروه‌های شهری‌اند؛ و از منظر نمادین، حامل مضامین هویت، قدرت و حافظه جمعی‌اند. این فضاها مصداقی روشن از «هستی یکپارچه زمانی - مکانی» هستند و در روایت، علاوه بر کارکرد جغرافیایی، ساختار معنایی و هویتی روایت را نیز سامان می‌دهند. در این میان، برخی مکان‌ها مانند میدان سنگ‌زار، با تمرکز چندلایه رویدادها و معانی، به «هسته‌های کرونوتویی» تبدیل می‌شوند؛ اصطلاحی که در این پژوهش به فضاهایی اطلاق می‌شود که در آن‌ها پیوند زمان و مکان به‌صورت فشرده، معنادار و رویدادمحور شکل می‌گیرد. این هسته‌ها نقاطی هستند که پیرنگ (خط داستانی)، حافظه جمعی، و کنش اجتماعی در آن‌ها به‌هم می‌رسند و ساختار فضایی روایت را سازمان می‌دهند. یافته‌ها حاکی از آن است که میدان سنگ‌زار، با ایفای نقش‌های سیاسی، اجتماعی، عاطفی<sup>۳۳</sup> و نظامی در شش مقطع زمانی روایی، به مهم‌ترین گره کرونوتوپیک تبدیل شده و در چارچوب نظری فوکو به‌عنوان یک هتروتوپیا<sup>۳۴</sup> یا «فضای دیگر» قابل تحلیل است؛ فضایی چند کارکردی که هم‌زمان واقعی و نمادین است و ظرفیت بازنمایی بحران، انحراف و نظارت را دارد (Foucault, 1986). سایر فضاها، همچون دروازه‌های بهار، سنگ‌شیر، مختاران و محله‌های درودآباد، کبابیان، مختاران، قاشق تراشان، در تعامل با زمان تاریخی حمله عثمانی‌ها، دوگانه‌ای میان حفاظت کالبدی و آسیب‌پذیری اجتماعی می‌سازند؛ کارکردی که با مفهوم حافظه‌های ناهمساز شهری در نظریه جین جیکوبز، یعنی هم‌زیستی روایت‌های رسمی و غیررسمی در فضاهای شهری (Jacobs, 1996)، و با نظریه چندگانگی زمانی - مکانی در اندیشه درین مسی، که فضا را شبکه‌ای پویا از مناسبات متضاد تاریخی می‌داند (Massey, 2005)، در ارتباط است.

روایت موسی نثری از شهر همدان در رمان تاریخ غیرت، در موارد متعدد با شواهد تاریخی و نقشه‌ای هم‌خوانی دارد؛ هم‌خوانی‌هایی که نشان می‌دهند تخیل روایی نویسنده، بر پایه شناختی حافظه‌مند از ساختار فضایی شهر شکل گرفته است. برای نمونه، دروازه سنگ‌شیر که در رمان به‌عنوان مرز نمادین مقاومت شهری معرفی شده، در توضیحات نقشه پروسکوریاکف (۱۹۳۰ م) و خاطرات ظهیرالدوله (۱۸۱۷ م / ۱۲۹۴ ه.ش) نیز به‌عنوان یکی از ورودی‌های اصلی شهر با نقش نظامی و فرهنگی ثبت شده است. همچنین، محله بنه‌بازار که در متن رمان محل تجمع و تبادل اطلاعات مردمی است، در سفرنامه جکسون (۱۹۱۰ م) و توضیحات نقشه پروسکوریاکف (۱۹۳۰ م) به‌عنوان یکی از مراکز تجاری و اجتماعی شهر معرفی شده است. بقعه استرومردخای نیز که در رمان به‌عنوان بنایی شاخص که از میدان مرکزی شهر دیده می‌شود، ظاهر می‌شود، در سفرنامه فالاندن (۱۸۴۰ م) و در نقشه‌های شهری همدان، به‌عنوان یکی از نقاط شاخص هم‌زیستی یهودیان و مسلمانان در بافت شهری ثبت شده است. همچنین، محله‌های درودآباد و مختاران که در روایت به‌عنوان فضاهای حاشیه‌ای اما فعال در مقاومت مردمی ظاهر می‌شوند، در نقشه پروسکوریاکف (۱۹۳۰ م) و در گزارش‌های شهرداری همدان در دهه‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۰ هجری شمسی که به تازگی در اختیار مرکز اسناد همدان قرار گرفته است (خبرگزاری ایسا، ۱۴۰۲ ه.ش)، به‌عنوان محله‌هایی با ساختار اجتماعی متراکم و نقش ارتباطی با دروازه‌های شرقی شهر شناخته شده‌اند. نقاشی مطراقچی (۱۵۴۰ م) از دوره صفوی (شکل ۶)، که تنها چهار دروازه را نشان می‌دهد، در کنار نقشه‌های قاجاری که ده دروازه را ثبت کرده‌اند، نشان‌دهنده تحول تدریجی سازمان فضایی شهر است - تحولی که در روایت موسی نثری (نثری، ۱۳۹۹ ه.ش) نیز بازتاب یافته و از منظر حافظه‌مند بودن روایت، بیانگر انباشت لایه‌های تاریخی در تخیل شهری نویسنده است.



شکل ۶. شهر همدان - منبع: نصح مطراقچی، ۱۵۴۳ م

از سوی دیگر پژوهش سوسن بابایی (۲۰۰۸ م./ ۱۴۰۰ ه.ش) درباره ساختار شهر صفوی نشان می‌دهد که سازمان فضایی شهرهای این دوره، مبتنی بر شبکه‌ای از دروازه‌ها، کاروانسراها و میدان‌های مرکزی بوده که نقش‌های تجاری، مذهبی و امنیتی را هم‌زمان ایفا می‌کرده‌اند؛ ساختاری که در روایت موسی نثری از شهر همدان دوره صفوی نیز بازتاب یافته است. همچنین، کشور رضوی (۲۰۱۱ م.) در تحلیل عناصر نمادین شهر صفوی، به نقش بقعه‌ها و زیارتگاه‌ها در شکل‌گیری حافظه مذهبی و هویت شهری اشاره می‌کند؛ نکته‌ای که در بازنمایی بقعه استرومردخای در رمان به‌وضوح دیده می‌شود. لیدا بلیان (۲۰۱۶ م./ ۱۳۹۵ ه.ش) نیز با تمرکز بر نقشه‌نگاری شهری در دوره صفوی، نشان می‌دهد که نحوه استقرار محله‌ها و مسیرهای ارتباطی، تابعی از سلسله‌مراتب عملکردی و نمادین بوده است - الگویی که در توصیف محله‌های بنه‌بازار، دروآباد و مختاران در رمان موسی نثری قابل‌ردیابی است (نثری، ۱۳۹۹ ه.ش). این تطبیق‌ها، نه برای اثبات واقعیت تاریخی، بلکه برای نشان دادن پیوستگی حافظه‌مند میان روایت ادبی و ساختار فضایی شهر صورت گرفته‌اند؛ و از این منظر، روش مثلث‌سازی در این پژوهش، به‌منظور اعتباربخشی به تخیل روایی و نه بازسازی مستند، به‌کار رفته است. در امتداد این تطبیق‌های نظری، بازخوانی روایت مقاومت شهری در تاریخ غیرت نشان می‌دهد که مکان‌های عمومی در لحظات بحرانی، از عناصر کالبدی صرف به صحنه‌های کنش تاریخی و نمادین بدل می‌شوند. این ویژگی، پیوندی میان تخیل ادبی و تجربه زیسته برقرار می‌سازد و امکان سنجش هم‌پوشانی حافظه‌مند میان ساختار فضایی شهر و روایت‌های تاریخی را فراهم می‌کند. در همین راستا، حزین لاهیجی ضمن روایت مشاهدات خود از مقاومت مردمی در جریان بازخوانی وقایع محاصره همدان، به توصیف صحنه‌هایی می‌پردازد که در منابع دیگر نیز بازتاب یافته‌اند. او می‌نویسد: «در بعض شوارع آن شهر، از بسیاری اجساد کشتگان که بر زبر یکدیگر افتاده مجال عبور نبود»، و ادامه می‌دهد که «همدانیان چون سرکوجه‌ای بر رومیان [= ترکان عثمانی] گرفته مدافعه می‌کرده‌اند... تا سر دیوارهای بلند اجساد کشتگان بود که بر فراز هم ریخته بودند» (حزین لاهیجی، ۱۳۳۲: ۶۹). تمرکز روایت بر شوارع و دیوارهای بلند نشان می‌دهد که عناصر کالبدی شهر در قلب کنش دفاعی قرار داشته‌اند. این هم‌پوشانی میان روایت شاهد عینی، منابع تاریخی و ساختار فضایی، زمینه‌ای برای بازسازی حافظه‌مند سازمان فضایی همدان فراهم می‌سازد. در ادامه، برای هر مکان شواهدی مستقیم از پیوستگی آن با زمان از متن رمان تاریخ غیرت ارائه شده است تا ارتباط تحلیلی میان نظریه‌ها و ساختار روایی اثر به‌روشنی آشکار شود.

#### ۱- دروازه سنگ‌شیر:

۲۶ مردادماه اول آفتاب، عثمانی‌ها از همه طرف به شهر حمله کردند و از تمام سنگرها جنگ شروع شد به جز سنگ‌شیر. دروازه سنگ‌شیر که عثمانی‌ها از جهت سنگر مصلماً مشرف به آنجا بود، از آن دروازه صرف‌نظر کرده بودند و تا چهار ساعت از آفتاب

گذشته، آثار غلبه از هیچ طرف معلوم نبود. (ص: ۲۳۶)

۲- دروازه بهار:

چهار ساعت به غروب، عثمانی‌ها از طرف دروازه بهار به شهر حمله کردند و تا غروب از طرفین صدای شلیک توپ و تفنگ بلند بود. (ص: ۲۱۹)

۳- دروازه مختاران:

مختصراً آن روز تا نیم ساعت به غروب مانده، عثمانی‌ها تمام سنگ‌هایی که مشرف به شهر بود تخلیه کرده فرار کردند و اقلعی از دروازه مختاران وارد شهر شده و احمدخان را که در آنجا منتظر او بود ملاقات کرده، هر دو روی سکویی که در جلو یک دکان عطاری بسته بودند نشستند. (ص: ۲۲۳)

۴- دروازه قزوین:

۶ مردادماه سه ساعت بعد از طلوع آفتاب، در حالی که احمدخان در سنگر دروازه قزوین بود، عثمانی‌ها به آن سنگر حمله کردند و تا چهار ساعت به غروب از طرفین شلیک می‌شد. (ص: ۲۱۹)

۵- دروازه اهل قبور:

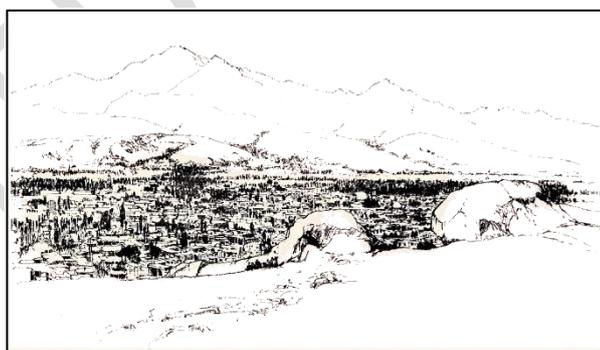
احمدخان ... سوار اسب درشتی شده با سر باز سیصد نفر از شجاعان لشکر همراه خود برداشته از دروازه اهل قبور بیرون آمده جلوریز (= با سرعت بسیار و تعجیل) می‌رفتند. (ص: ۲۳۷)

۶- بازار همدان:

بازار همدان که همیشه پر بود از جمعیت، یک نفر پیدا نمی‌شد و تمام بازار غارت شده است. (ص: ۲۶۵)

۸- محله کبایان:

۹ مردادماه عثمانی‌ها حمله سختی از پنج طرف از دروازه بهار، از دروازه قزوین، از دروازه اهل قبور، از دروازه مختاران، از طرف کبایان به شهر کردند و تا یک ساعت به غروب از طرفین شلیک می‌شد. (ص: ۲۲۰)



شکل ۷. شهر همدان از روی تپه مصلی - منبع چارلز ریچاردز، ۱۹۳۰

۷- میدان سنگ‌زار:

میدان سنگ‌زار پر بود از نعش زن‌های خوشگل و دختران خوبرو و از زخم‌های آنها که زخم خنجر و کارد بود معلوم می‌شود که اغلب خودشان اقدام به قتل خود کرده‌اند. (ص: ۲۶۵)

۹- محله درودآباد:

دو روز بعد از این واقعه، مجلسی بزرگ در یکی از خانه‌های واقعه در محله درودآباد همدان منعقد بود. (ص: ۵۱)

۱۰- محله قاشق تراشان:

در بین راه صدای شلیک تفنگ از طرف مختاران به گوششان رسید و هنوز به بازارچه قاشق تراشان نرسیده بودند که یک نفر مجاهد رسیده خبر آورد که: ... دروازه و سنگر بالای دروازه خراب شد. (ص: ۲۳۹)

۱۱- محله گازران:

تا ساعت هشت از آفتاب، محلات کبایان و درودآباد و بن بازار و مختاران و گازران به تصرف عثمانی‌ها درآمد و در این محلات در سر هر گذر به قدری نعل و جنازه ریخته بود که عبور ممکن نبود. (ص: ۲۵۴)

۱۲- محله سرقلعه:

عثمانی‌ها دیشب از خانه‌ای که خارج دروازه و متصل به دروازه بوده نقب زده باروت ریخته‌اند و امروز صبح باروت را آتش زده سنگر را خراب کرده‌اند و ... از دروازه داخل شهر شده می‌خواستند به طرف سر قلعه بروند. (ص: ۲۴۱)

۱۲- کوچه قراولخانه:

احمدخان ... خودش با صد و پنجاه نفر داخل کوچه که معروف به کوچه قراولخانه بود شده، دید کوچه پر است از جمعیت مجاهد و داوطلب به طوری که از کثرت جمعیت جنگ ممکن نیست و گلوله‌های عثمانی‌ها از چندین نفر می‌گذرد. (ص: ۲۴۲)

۱۳- کوچه حاجی احمد:

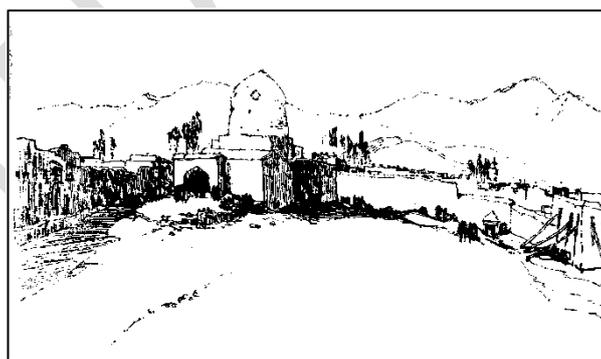
دختر تا نزدیک قاشق تراشان آمده، از آنجا داخل کوچه معروف به حاجی احمد شده به طرف محله کبایان روانه شد. (ص: ۲۲۶)

۱۴- کوچه نراقی‌ها:

خانم هم قدری در آنجا ایستاد تا از رفتن احمدخان مطمئن شد. بعد، از آن کوچه بیرون آمده به کوچه معروف نراقی‌ها داخل شد. (ص: ۲۲۸)

۱۵- دارالحکومه:

[آقا علی] این را گفته، با قراول از دارالحکومه بیرون آمدند و از کنار رودخانه قدری رو به بالا رفته بعد به سمت راست برگشته از کوچه طولانی عبور کرده از دروازه شهر خارج شدند. (ص: ۹۱)



شکل ۸. آرامگاه استرومردخای - منبع چارلز ریچاردز، ۱۹۳۰

۱۶- مقبره استرو و مردخای:

آقاعلی ... تفنگ احمدخان را گرفته گنجشکی را که در بالای گنبد مقبره استرو و مردخا که در پانصد قدم فاصله در وسط میدان واقع بود با تفنگ بدون [اینکه] سعی در نشان کردن بکند، زد و گنجشک معلق زنان به زمین افتاد. (ص: ۸۸)

در ادامه، جدول تحلیلی کرونوتوپ شهری همدان در زمان تاریخ غیرت ارائه می‌شود. این جدول حاصل فرآیند استخراج نظام‌مند داده‌های زمانی و مکانی از دل روایت است و ساختار آن بر پایه تفکیک فضاهای شهری، مقاطع زمانی مرتبط با هر فضا، نوع پیوند زمانی - مکانی، و روایت‌های خاص مربوط به هر موقعیت شکل گرفته است. هدف از تدوین این جدول، نمایش چگونگی درهم‌تنیدگی زمان و مکان در روایت و نشان دادن این نکته است که هر مکان چگونه با رخداد‌های مشخص، کارکردهای نمادین و نقش‌های

روایی متفاوتی پیوند خورده است. این جدول نه تنها به فهم دقیق تری از سازمان فضایی روایت کمک می کند، بلکه پایه‌ای برای تحلیل‌های گرافیکی و نقشه‌نگاری کرونوتویی در بخش‌های بعدی فراهم می‌سازد.

**جدول ۲. تحلیل کرونوتوپ شهری همدان بر اساس رمان تاریخ غیرت - منبع نویسندگان، ۱۴۰۴**

مکان	زمان	پیوند زمان - مکان	روایت داستانی مرتبط
دروازه سنگ‌شیر	روز ۹ و ۱۰ محاصره	محل دفاع زنان و درگیری مستقیم با دشمن	مقاومت زنان با پرتاب سنگ؛ سقوط پس از مقاومت جانانه
دروازه بهار	روز اول تا هشتم	نقطه ورود جاسوس دشمن؛ بسته بودن مسیر؛ سنگ‌های منهدم شده	عبور مخفیانه؛ حمله توپخانه؛ فروپاشی تدریجی سنگ‌ها؛ عقب‌نشینی مجاهدان
دروازه مختاران	روزهای آغازین تا روز سقوط	مرکز دفاع؛ محل استقرار احمدخان؛ محور شهادت داوطلبان	درگیری شدید، شهادت رزمندگان؛ پایداری تا آخرین روزها
دروازه قزوین	میان‌ه تا اواخر محاصره	محل ورود و خروج نیروها؛ محل درگیری توپخانه‌ای	تدارکات، ورود مجاهدان، مقاومت در برابر فشار توپخانه
دروازه اهل قبور	شب‌های اواخر محاصره	خط تماس حاشیه‌ای شهر؛ محور هجوم دشمن در پایان	مقاومت چریکی در حاشیه؛ عقب‌نشینی و قطع مسیر ارتباطی با حومه
بازار همدان	پیش از محاصره تا پایان روزهای ۱، ۳، ۶، ۸، ۱۰، پایان	مرکز داد و ستد و سپس نماد بحران اقتصادی	شلوغی پیش از جنگ؛ خلأ و سکوت پس از محاصره؛ غارت توسط دشمن
میدان سنگ‌زار	روزهای ۱، ۳، ۶، ۸، ۱۰، پایان	مرکز تجمع، خطابه، بسیج مردمی و آغاز جنگ	سخنرانی شیخ محمد؛ داوطلبی زنان؛ دیدار احمدخان و طوبی‌خانم؛ سقوط میدان
محله دروآباد	میان‌ه محاصره	محل استقرار احمدخان؛ خانه‌های مستحکم برای دفاع	محل جلسات احمدخان؛ ورود و خروج نیروها؛ نقطه آرامش پیش از نبرد
محله کبابیان	میان‌ه محاصره	مرکز تحریک احساسات عمومی؛ محل سخنرانی و تشویق مردم	بسیج مردم؛ تهییج زنان و جوانان برای جنگ؛ مسیر عبور احمدخان و طوبی‌خانم
محله مختاران	شب‌های نبرد	سنگ‌بندی و مقاومت مردم در برابر حمله شبانه دشمن	شب‌گردی احمدخان و گشت زدن در خطوط دفاعی؛ حضور نیروهای داوطلب
محله قاشق‌تراشان	میان‌ه محاصره	بازارچه فعال؛ مسیر تعقیب و فرار؛ مخفی‌کاری در ازدحام	فرار احمدخان از تعقیب؛ حضور خبرچین‌ها؛ استفاده از شلوغی بازارچه برای مخفی‌کاری
محله بن‌بازار	پیش از محاصره	معرفی گذرا در توصیف بافت بازار	اشاره غیرکنشی به ساختار بازار؛ بدون درگیری مستقیم
محله گازران	آغاز داستان	توصیف بافت شهری سنتی	اشاره در مسیر حرکت قهرمان؛ فاقد نقش کنشی قابل توجه
محله سرقلعه	اواخر محاصره	مسیر فرعی مقاومت؛ محل تمرکز مجاهدان برای مسدود کردن مسیر فرار دشمن	شکل‌گیری خودجوش سنگر؛ بستن راه دشمن؛ مشارکت مردم در دفاع خط جنوبی شهر
کوچه حاجی احمد	میان‌ه داستان	مسیر عبور احمدخان و طوبی‌خانم	موقعیت عبور در تعقیب عاشقانه؛ خلوت شبانه در دل شهر
کوچه نراقی‌ها	میان‌ه محاصره	محل درگیری و کمین مجاهدان	شهادت یکی از رزمندگان؛ کمین شبانه و درگیری با دشمن
کوچه قراول‌خانه	آغاز محاصره	محل عبور و بازداشت؛ فضای امنیتی درگیر با قدرت	بازداشت آقاعلی؛ برخورد قراولان با مردم؛ فضاهای نظارتی
دارالحکومه	آغاز و میان‌ه محاصره	مرکز تصمیم‌گیری سیاسی؛ تضاد میان حاکم و احمدخان	تلاش برای فرماندهی یکپارچه؛ ناکامی حاکم؛ عدم اعتماد عمومی
مقبره استرومردخای	روز ورود آقاعلی به همدان	به‌عنوان نقطه‌ای نمادین در میدان، صحنه نمایش مهارت تیراندازی آقاعلی در حضور حاکم	آزمون نظامی آقاعلی با شلیک به هدفی در بالای گنبد؛ تأیید شجاعت و مهارت جنگی او توسط حاکم.

همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، میدان سنگ‌زار به‌عنوان هسته مرکزی کرونوتوپ شهری، با بیشترین تنوع زمانی و تنش روایی، نقش محوری در پیوند روایت با ساختار فضایی همدان ایفا می‌کند. این فضا نه تنها صحنه رویدادهای سیاسی، عاطفی و نظامی است، بلکه مرکزی برای گردهمایی جمعی و شکل‌گیری تصمیم‌های سرنوشت‌ساز نیز به شمار می‌آید. دروازه‌های شهر نیز، به‌عنوان مرزهایی نمادین و کارکردی، ساختار دفاعی - عاطفی روایت را شکل داده و میان فضاهای درون و برون شهری تمایز ایجاد می‌کنند. در ادامه، جدول شماره ۳ بر پایه داده‌های استخراج‌شده از جدول ۲ و با تمرکز بر ویژگی‌های دراماتیک مکان‌ها تدوین شده است. این جدول با تحلیل بسامد زمانی وقایع و طبقه‌بندی کارکردهای روایی - فضایی، گامی به‌سوی اولویت‌بندی گره‌های کرونوتوپیک در شهر تاریخی همدان برداشته است. هدف این تحلیل، ارزیابی میزان مشارکت هر فضا در ساختار زمانی - مکانی روایت و ارائه مدلی

تحلیلی برای مقایسه، تبیین و تعمیم این روش به متون و بافت‌های مشابه است.

جدول ۳. اولویت‌بندی مکانی اجزای تشکیل دهنده کرونوتوپ همدان در رمان تاریخ غیرت - منبع نویسندگان، ۱۴۰۴

مکان	تعداد زمان‌ها	دسته‌بندی وقایع (با بسامد)	تحلیل بار دراماتیک مکان
میدان سنگ‌زار	۶	سیاسی (۳)، رمانتیک (۱)، جنگی (۲)، اجتماعی (۱)	بار دراماتیک بسیار بالا؛ مرکز تصمیم‌گیری، روابط عاطفی، نبرد، گردهمایی
دروازه بهار	۵	جنگی (۳)، سیاسی/اطلاعاتی (۱)، تراژیک (۱)	نقطه شروع فروپاشی دفاع؛ مسیر نفوذ دشمن؛ محل خیانت و عقب‌نشینی
دروازه سنگ‌شیر	۴	جنگی (۲)، اجتماعی/زنانه (۱)، تراژیک (۱)	نماد مقاومت زنان؛ بار روایی اجتماعی - حماسی؛ درگیری مستقیم تا سقوط
دروازه مختاران	۴	جنگی (۳)، فرماندهی (۱)	مهم‌ترین خط دفاع؛ شهادت نیروها؛ مقرر فرماندهی احمدخان
دروازه قزوین	۳	جنگی (۲)، لجستیکی (۱)	نقطه امداد و تبادل نیرو؛ خط فشار و تهاجم دشمن در اواخر مقاومت
دروازه اهل قبور	۳	جنگی (۲)، چریکی (۱)	ارتباط درون‌شهری و حاشیه؛ محل مقاومت کم‌نفر؛ پیشروی دشمن از این محور
بازار همدان	۳	اجتماعی (۱)، جنگی (۱)، تراژیک (۱)	نماینده زندگی اقتصادی پیش از محاصره؛ نشانه تغییرات روانی مردم پس از جنگ
محله درودآباد	۲	جنگی (۱)، رمانتیک (۱)	محل زندگی اعیان؛ مرکز عملیات احمدخان؛ محل درگیری و مشاوره در رمان
محله کبابیان	۲	اجتماعی (۱)، رمانتیک/حرکتی (۱)	پایگاه تهییج مردمی؛ محل گذار عاطفی و حرکتی؛ ظرفیت اجتماعی متوسط
محله مختاران	۲	جنگی (۲)	نقطه پیرامونی دفاع؛ درگیری مستقیم مردم با دشمن؛ محل سازمان‌دهی گروه‌های داوطلب
محله قاشق‌تراشان	۲	اجتماعی (۱)، چریکی/تعقیب (۱)	بازارچه پرتحرک در دل بحران؛ فرصت تعقیب و اختفا؛ فضاهای پیچیده شهری
دارالحکومه	۲	سیاسی (۲)	محل تصمیم‌گیری متضاد؛ تقابل احمدخان و حاکم؛ مرکز شکاف فرماندهی رسمی و مردمی
محله بن‌بازار	۱	اجتماعی (۱)	معرفی توصیفی؛ موقعیت محله‌ای در دل بافت بازار؛ حضور محدود در روایت
محله گازران	۱	اجتماعی (۱)	محله سنتی شهر؛ ذکر در حاشیه توصیف‌ها؛ فاقد رویداد پرکشش
محله سرقلعه	۲	اجتماعی/نظامی (۱)، جنگی/چریکی (۱)	مسیر حرکت گروهی مردم؛ محل شکل‌گیری سنگر؛ مشارکت در دفاع شهری در جنوب همدان
کوچه حاجی احمد	۱	رمانتیک/تعقیب (۱)	محل دیدار و حرکت طوبی‌خانم و احمدخان؛ فضای گذرگاهی احساسی
کوچه نراقی‌ها	۱	چریکی (۱)	درگیری کوچه‌ای؛ کمین و شهادت یکی از فرماندهان؛ فضای تاکتیکی شهری
کوچه قراول‌خانه	۱	امنیتی/جنگی (۱)	محل انتقال بازداشت‌شدگان؛ آغاز حرکت‌های مشکوک و تداخلات امنیتی
مقبره استر و مردخای	۱	مذهبی - هویتی (۱)	نمایش مهارت تیراندازی؛ تأیید شجاعت و توانمندی نظامی برای حضور فعال در نبردهای پیش‌رو.

با نگاهی به جدول ۳ می‌توان دریافت که میدان سنگ‌زار و دروازه بهار با بیشترین تنوع زمانی و روایی، به‌عنوان گره‌های کرونوتوپیک اصلی شهر عمل می‌کنند. در مقابل، فضاهایی مانند کوچه حاجی احمد و محله گازران دارای نقش احساسی یا توصیفی محدود هستند و نشان‌دهنده لایه‌های ظریف‌تری از روایت شهری‌اند. این جدول، با تکیه بر رویکردی داده‌محور و بر اساس تحلیل فراوانی زمانی - روایی در مکان‌ها، امکان دستیابی به درکی هدفمند از ساختار فضایی - معنایی روایت را فراهم می‌آورد. از آن‌جا که این روش می‌تواند در متون ادبی مشابه و شهرهای فاقد داده‌های رسمی نیز به کار رود، ظرفیت آن برای تعمیم به مطالعات شهری تطبیقی و میان‌رشته‌ای کاملاً قابل توجه است.

بر پایه تحلیل جدول ۳، یک طبقه‌بندی کاربردی برای مطالعات شهری روایی پیشنهاد می‌شود که فضاهای داستان را به سه گروه کارکردی تقسیم می‌کند:

– مکان‌های کرونوتوپیک مرکزی (مانند میدان سنگ‌زار، دروازه‌ها، دارالحکومه): با بسامد بالا، تنوع معنایی و نقش محوری در روایت.

– مکان‌های گذار یا تاکتیکی (مانند کوچه‌ها، بازارچه‌ها): نقاط اتصال روایت و عبور شخصیت‌ها؛ فضاهایی با کنش‌پذیری موضعی.

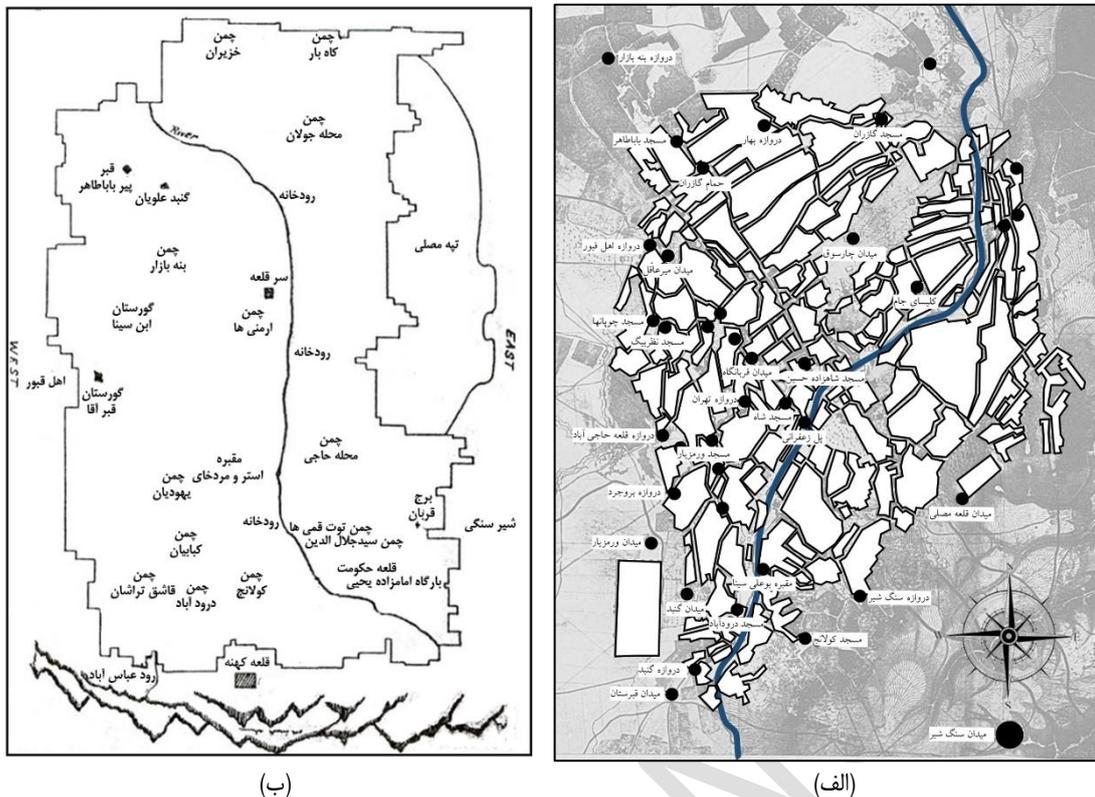
– مکان‌های با نقش روایت‌پس‌زمینه (مانند برخی محله‌های حاشیه‌ای): با حضور توصیفی و کارکرد غیرکنشی که فضای ذهنی یا زمینه‌ای را شکل می‌دهند.

این طبقه‌بندی می‌تواند مدلی مقدماتی برای تحلیل فضاهای داستانی در ادبیات شهری و تاریخی فراهم کند و گامی در جهت تبدیل توصیف ادبی به ابزار خوانش سازمان فضایی شهرهای فراموش شده باشد.

یافته‌ها حاکی از آن است که میدان سنگ‌زار به کانونی تبدیل می‌شود که در آن «زمان مقاومت» و «مکان جمعی» درهم می‌آمیزند و صحنه‌های حیاتی روایت را شکل می‌دهند. این فضا با شش واقعه متمایز، مصداقی روشن از آن چیزی است که فوکو در نظریه هتروتوپیا به‌عنوان «فضای چندکارکردی» توصیف می‌کند (Foucault, 1986)؛ فضایی که هم‌زمان واجد کارکردهای سیاسی، اجتماعی، نمادین و روایی است. در تقابل با زمان تاریخی حمله عثمانی‌ها، این مکان‌ها هم بازتاب‌دهنده شرایط جنگی هستند و هم بستری برای کنش‌گری اجتماعی فراهم می‌کنند. هر یک از فضاهای روایی (همچون دروازه سنگ‌شیر، دروازه بهار، مختاران، بازار، محله‌های دروآباد و قاشق‌تراشان، و حتی فضاهای گذری مثل کوچه‌ها و مقبره‌ها) در متن رمان با رویدادها، کنش‌های زمانی، و نقش‌های اجتماعی متنوعی گره خورده‌اند. این پیوندهای نظام‌مند در قالب دو جدول تحلیلی به نمایش درآمده‌اند که میزان بسامد زمانی، نوع رویداد، و بار دراماتیک هر مکان را مشخص می‌کند. به‌ویژه میدان سنگ‌زار، با ایفای نقش محوری در گردهمایی، شور مردمی، تصمیم‌گیری، روابط عاطفی، و فروپاشی نهایی، مرکز ثقل معنا در سازمان فضایی روایت است؛ در حالی که دروازه‌ها الگویی از پایداری تدریجی تا فروپاشی را ترسیم می‌کنند و بازار، چرخش از حیات به سکون و سپس تخریب را بازتاب می‌دهد. بر اساس این تحلیل، کرونوتوپ شهر همدان در رمان تاریخ غیرت نه تنها تجسمی از واقعیت تاریخی، بلکه میدان بازآفرینی ادبی، حافظه‌ساز و نمادین است. همان‌گونه که آمیل در مفهوم «شهرسازی روایی» مطرح می‌کند، این فضاها صرفاً بازنمایی نیستند، بلکه نقش‌آفرینانی فعال در فرایند شکل‌دهی به ادراک شهری‌اند. توصیف غار خورزنده به‌عنوان پناهگاه و خانه شیخ محمد به‌عنوان مرکز تصمیم‌گیری، لایه انسانی این تجربه فضایی را نیز تقویت می‌کنند. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که شهر در این رمان، فراتر از زمینه‌ی رخدادها، به عنوان یک کنشگر دراماتیک و ساختاردهنده‌ی حافظه و هویت جمعی عمل می‌کند. این یافته‌ها، نه تنها نمونه‌ای از کاربرد نظریه کرونوتوپ در تحلیل متون تاریخی روایی است، بلکه روشی نوین برای بازسازی سازمان فضایی شهرهای فاقد سند نقشه‌ای در ایران نیز معرفی می‌کند.

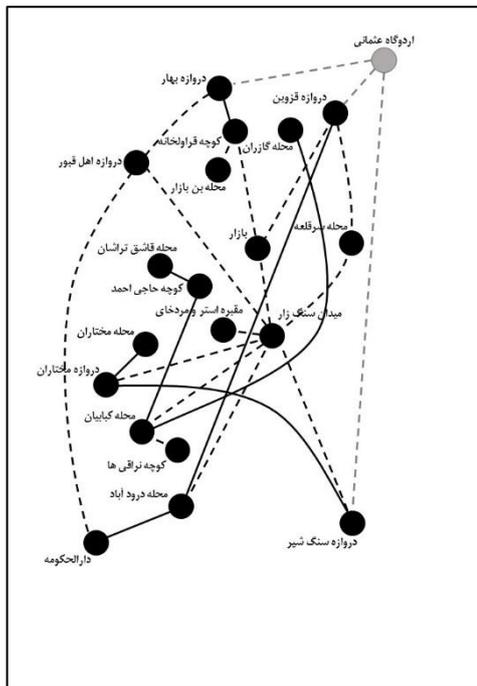
#### ۴-۱. از روایت تا نقشه: نقشه‌نگاری کرونوتویی همدان در تاریخ غیرت

فرآیند نقشه‌نگاری کرونوتویی در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش‌شناسی مقاله نقشه‌نگاری کرونوتویی: نگاشت زمان – مکان ادبی (Bushell et al., 2021)، رویکردی نظام‌مند برای تجسم ساختار فضایی – زمانی رمان تاریخ غیرت فراهم می‌کند. در این مدل، تعامل مکان‌های واقعی شهر همدان (دروازه‌ها، میدان‌ها، بازارها، محله‌ها و کوچه‌ها) با ساختار روایت در بستر کرونوتوپ، به‌صورت توپولوژیکی بازنمایی شده است. در گام نخست، تمامی مکان‌هایی که با کنش‌های زمانی مشخص در ارتباط بودند، از متن رمان استخراج و دسته‌بندی شدند. سپس «گره‌های کرونوتویی»، یعنی فضاهایی که در آن‌ها رویدادهای متنوع (جنگی، سیاسی، رماتیک، اجتماعی، چریکی) با پیوند زمانی – مکانی مستقل رخ داده، شناسایی شدند. این داده‌ها مبنای طراحی شبکه‌های ارتباطی میان گره‌ها قرار گرفتند: مسیرهای مستقیم با خطوط پر (نشان‌دهنده جابه‌جایی یا روایت هم‌زمان) و مسیرهای غیرمستقیم با خطوط چین‌دار (ارجاع روایی غیرهم‌زمان یا مفهومی) رسم شدند.

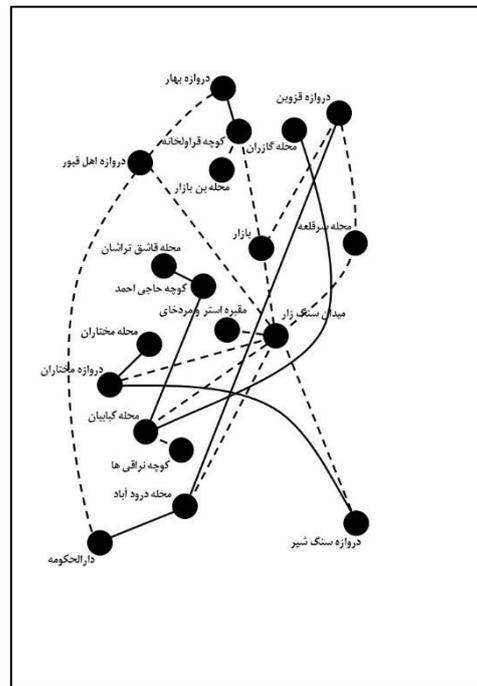


شکل ۹. نقشه های قدیمی از شهر همدان: (الف) بازسازی همدان در ابتدای دوره قاجار توسط نگارندگان با استفاده از نقشه دسته نقشه برداران ستاد پرسکوریاکوف، ۱۸۵۱ م. (ب) استفاده از نقشه ویلیامز جکسون، ۱۹۱۰ م توسط نگارندگان برای بازشناسی مقدماتی توپوس های رمان تاریخ غیرت

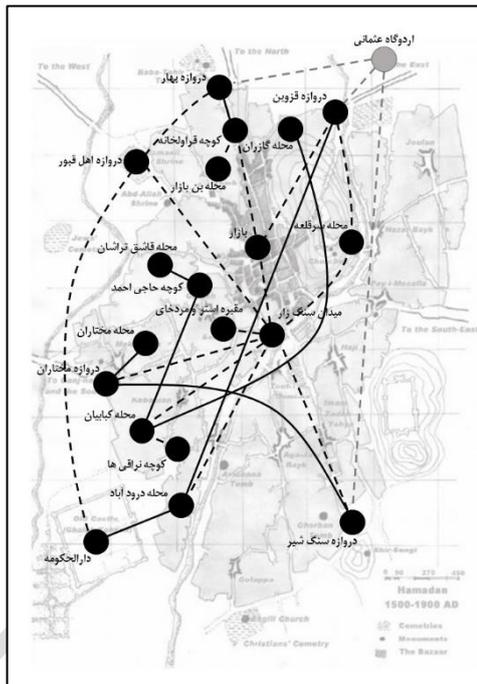
در ادامه، با استفاده از دو نقشه قدیمی شهر همدان (نقشه های (الف) و (ب) در شکل ۹)، موقعیت مکانی گره ها روی نقشه بازسازی شد. مسیرهای ارتباطی نیز بر اساس توالی و نوع وقایع، به صورت دستی ترسیم گردید و مجموعه ای از نقشه ها به دست آمد: «نقشه توپویی» نمایش نقاط پرتحرک روایی مانند میدان سنگزار و دروازه های پیرامونی؛ «نقشه کروئوتوپ عمیق» انعکاس ساختار زمانی مکانی روایت در خلال جنگ؛ «نقشه کامل» ترکیب لایه های تاریخی و روایی شهر به مثابه پالیمپستی (چندلایگی) زمانی از پیش از محاصره تا سقوط همدان. این نقشه ها ساختار فضایی - زمانی شهر را در متن رمان تجسم بخشیده و گسست میان گذشته صفوی و زمانه جنگ را از خلال کروئوتوپ مکان ها برجسته می سازند. تحلیل حاصل از این فرایند نشان می دهد که فضاهای شهری در رمان، کنشگرانی فعال در روایت مقاومت اند. برای نمونه، توپ باران دروازه مختاران به عنوان یک گره کروئوتوپیک، پیوندی میان زمان فروپاشی و فضای گسسته شهر پدید می آورد.



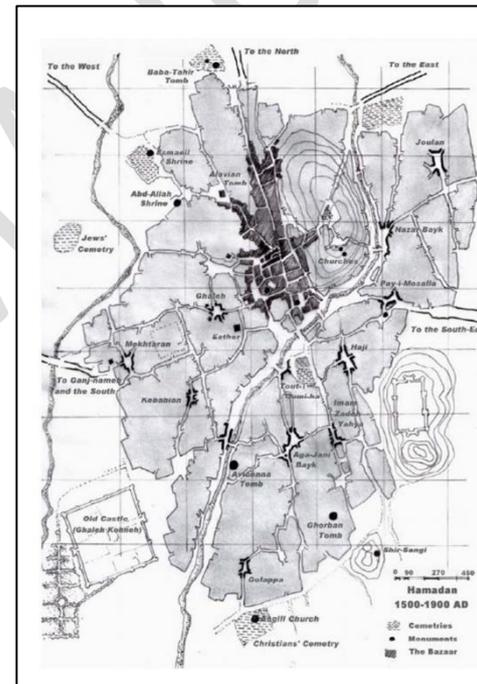
(ب)



(الف)



(د)



(ج)

شکل ۱۰. نقشه‌نگاری کرونوتویی رمان تاریخ غیرت: (الف) نقشه توبوی رمان تاریخ غیرت، منبع: نگارنده. (ب) نقشه کرونوتوب عمیق رمان تاریخ غیرت، منبع: نگارنده. (ج) نقشه همدان دوره قاجار - منبع: مهشید صبحی زاده. (د) نقشه کامل رمان تاریخ غیرت، منبع: نگارنده.

این فرایند، با ترکیب ابزارهای تحلیلی و گرافیکی، نه تنها معماری ادبی رمان را آشکار می‌سازد، بلکه همدان را به‌عنوان «عرصه‌ای کرونوتوپیک» بازسازی می‌کند؛ فضایی که در آن زمان و مکان، با خاطره و سیاست درمی‌آمیزند. در نهایت، این رویکرد امکان توسعه نقشه‌های تعاملی دیجیتال را نیز فراهم می‌سازد؛ ابزاری که می‌تواند لایه‌های روایی و تاریخی همدان در اثر موسی نثری را برای پژوهش‌های آینده در حوزه‌های میان‌رشته‌ای کاوش‌پذیر کند.

### نتیجه‌گیری

تحلیل کرونوتوپیک رمان تاریخ غیرت نشان می‌دهد که شهر همدان در این روایت نه صرفاً پس‌زمینه‌ای منفعل، بلکه کنشگری

روایی و حافظه‌مند است که در شکل‌گیری پیرنگ یا خط داستانی، شخصیت‌ها و معناهای اجتماعی نقش فعال دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که موسی نثری با بهره‌گیری از عناصر فضایی - زمانی، کرونوتویی چندلایه‌ای خلق کرده است که در آن مکان‌هایی چون میدان سنگ‌زار و دروازه‌های شهر، همزمان واجد کارکردهای روایی، اجتماعی و نمادین‌اند. میدان سنگ‌زار به‌عنوان «هسته کرونوتویی»، گره‌گاه تعامل زمان تاریخی (هجوم عثمانی‌ها) و مکان شهری است و حافظه جمعی، کنش اجتماعی و تحول روایی را در خود فشرده می‌سازد. این تنش فضامانی، شهر را به «پالیپسست حافظه» بدل می‌کند؛ ساختاری چندلایه که تجربه زیسته، تخیل روایی و حافظه تاریخی را در هم می‌تند. فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر فعال بودن فضاهای شهری در پیشبرد روایت و بازتاب مقاومت اجتماعی، با شواهد روایی و تطبیق با منابع تاریخی تأیید شده است. همچنین، فرضیه‌های فرعی درباره نقش نمادین مکان‌ها، از جمله رودخانه خشک‌شده و کاروانسراهای متروک، نشان می‌دهند که عناصر مادی به استعاره‌هایی از انقطاع، تنهایی و گذار تاریخی تبدیل شده‌اند. تعامل شخصیت‌ها با شهر نیز الگویی سه‌گانه از رابطه انسان - فضا را ترسیم می‌کند: شهر به‌مثابه حامی، تهدید و شاهد. این ساختار، پیچیدگی تجربه شهری در بستر بحران را بازنمایی می‌کند. در مجموع، پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه کرونوتوپ باختین و بهره‌گیری از نقشه‌نگاری روایی، الگویی عملی برای استخراج سازمان فضایی از دل روایت ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که متون ادبی تاریخی می‌توانند بستری برای بازسازی حافظه‌مند مکان در شهرهایی فاقد اسناد تصویری باشند. این خوانش، نه بازسازی کالبدی، بلکه تلاشی برای فهم نحوه سازمان‌یافتگی تخیل ملی در بستر روایت تاریخی است؛ رویکردی که در مطالعات شهری حافظه‌محور، قابلیت توسعه و تعمیم دارد.

**مشارکت نویسندگان:** ایده‌پردازی این پژوهش به‌صورت مشترک توسط پ.ش و ح.س انجام شده است. طراحی روش‌شناسی، انجام تحلیل رسمی، گردآوری منابع، تحقیق و بررسی، مدیریت و تنظیم داده‌ها، نگارش پیش‌نویس اولیه و تصویرسازی داده‌ها توسط پ.ش انجام گرفت. مسئولیت اعتبارسنجی یافته‌ها و بازبینی و ویرایش نهایی متن را ح.س بر عهده داشت. همچنین، نظارت علمی و مدیریت پروژه نیز از سوی ح.س صورت پذیرفت. تمام نویسندگان نسخه نهایی مقاله را مطالعه کرده و با انتشار آن موافقت نموده‌اند.

**تأمین مالی:** این پژوهش هیچ بودجه خارجی دریافت نکرده است.

**تضاد منافع:** نویسندگان هیچ گونه تضاد منافع را اعلام نمی‌کنند.

## References

## منابع

- Aghajamali, B., & Sepهران, K. (2021). Politics of identity: Examining the absence of Tehran in early Pahlavi-era drama. *Theatrical Research Quarterly*, 85(3), 36–56. [In Persian].
- Ameel, L. (2020). *The Narrative Turn in Urban Planning*. Amsterdam University Press.
- Ameel, Lieven. *Narrative Turn in Urban Planning: A Critical Review*. Translated by Navid Pourmohammadreza. In *Listening to the City*. Tehran: Atrاف Publications, 2021, pp. 41–43. [In Persian].
- Attridge, Derek. (2004). *The Singularity of Literature*. Routledge.
- Bakhtin, M. M. (1981). *The Dialogic Imagination: Four Essays*. (M. Holquist, Ed.; C. Emerson & M. Holquist, Trans.). University of Texas Press.
- Bakhtin, Mikhail. *Dialogic Imagination: Essays on the Novel*. Translated by Roya Pourazar. 6th ed. Tehran: Ney Publishing, 2021. [In Persian].
- Balilan Asl, L. (2016). Analysis of the spatial structure of Tabriz city in the Safavid period through a comparative study of travelogues and visual documents. *Bagh-e Nazar*, 13(38), 45–56. [In Persian].
- Bourlina, E. (2021). The City in Space and Time. *zvestiya Samara State Medical University*, 23(6), 36–44. [In Russian]. DOI: <https://doi.org/10.37313/2413-9645-2021-23-81-36-44>
- Bushell, S., Butler, J., Hay, D., Hutcheon, R., & Butterworth, A. (2021). Chronotopic cartography: Mapping literary time-space. *Journal of Victorian Culture*, 26(2), 310–325. DOI: <https://doi.org/10.1093/jvcult/vcab004>
- Clark, Katerina. (1995). *Petersburg, Crucible of Cultural Revolution*. Harvard University Press.
- Dillon, S. (2007). *The Palimpsest: Literature, Criticism, Theory*. Bloomsbury Academic.
- Donald, James. (1999). *Imagining the Modern City*. University of Minnesota Press.
- Erl, A. (2011). *Memory in Culture*. Palgrave Macmillan.
- Foucault, M. (1986). Of Other Spaces: Utopias and Heterotopias. *Diacritics*, 16(1), 22–27.
- Ghavami, B., & Mansouri, N. (2023). Chronotope Analysis in Gholamhossein Sa'edi's *The Mourners of Bayal*. *Journal of Literary Discourse Analysis*, 1(1), 84–108. [In Persian]. DOI: <https://doi.org/10.22034/lda.2023.62955>
- Gibson, A. (2002). *Joyce's Revenge: History, Politics and Aesthetics in Ulysses*. Oxford University Press. <https://academic.oup.com/book/48751>
- Gumnel, E. (2011). The Urban Chronotope in *Bleak House*. *Victorian Literature Review*, 34(2), 200–215. DOI:

- <https://muse.jhu.edu/article/441671>
- Habibi, S. Mohsen. (2010). *The Story of the City: Tehran, Icon of the Iranian Modern City*. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian].
- Holm, H. V. (2017). Chronotopes in Patrick Modiano's fictional writing of history. *Bergen Language and Linguistics Studies*, 7, 1–16. DOI: 10.15845/bells.v7i0.1358.
- Holquist, M. (1990). *Dialogism: Bakhtin and His World*. Johns Hopkins University Press.
- Huyssen, A. (2003). *Present Pasts: Urban Palimpsests and the Politics of Memory*. Stanford University Press.
- ISNA News Agency. (2023, May 30). Donation of 75 historical documents about the conditions of Hamedan in the 1950s–1970s. Retrieved from <https://www.isna.ir/news/1402030905944>
- Jackson, A. V. W. (1906). *Persia past and present: A book of travel and research, with more than two hundred illustrations and a map*. New York: The Macmillan Company; London: Macmillan & Co., Ltd.
- Jacobs, J. M. (1996). *Edge of Empire*. Routledge.
- Koskisto, P. (2018). Bakhtin, World Literature and the Urban Chronotope. *Comparative Studies*, 25(4), 567–582. [https://www.academia.edu/38485125/Bakhtin\\_World\\_Literature\\_and\\_the\\_Chronotope\\_of\\_the\\_City](https://www.academia.edu/38485125/Bakhtin_World_Literature_and_the_Chronotope_of_the_City)
- Kuusisto, P. (2018). Bakhtin, world literature and the chronotope of the city. In K. Alenius, M. Enbuske, O. K. Fält, M. Kallinen, K. Korhonen, P. Kuusisto, & H. Oinas-Kukkonen (Eds.), *Transcultural Encounters II: Understanding Humans in Change (Studia Historica Septentrionalia 80, pp. 187–202)*. Pohjois-Suomen Historiallinen Yhdistys. DOI: <https://www.academia.edu/38485125/>
- Ledger, Sally. (2007). *Dickens and the Popular Radical Imagination*. Cambridge University Press.
- Massey, D. (2005). *For Space*. SAGE Publications.
- Mazhari, M., Ahmadi, F., & Rezaci, A. (2024). Representation of Space in the Works of Shahrnush Parsipur. *Persian Language and Literature Quarterly*, 61(4), 66–91. [In Persian]. DOI: [doi.org/10.71638/farsij.2024.1126177](https://doi.org/10.71638/farsij.2024.1126177)
- Moretti, F. (2000). *Atlas of the European Novel 1800–1900*. Verso.
- Moretti, F. (2005). *Graphs, Maps, Trees: Abstract Models for a Literary History*. Verso.
- Morson, G. S., & Emerson, C. (1990). *Mikhail Bakhtin: Creation of a Prosaics*. Stanford University Press.
- Naderkordi, M. (2023). Endings of stories: “The continuum of stillness in Persian novels of the 1960s”. *Sociology of Art and Literature*, 2(4), 99–120. [In Persian]. DOI: <https://doi.org/10.22059/jsal.2023.92669>
- Nasri Hamadani, S. M. (2019). *Tarikh-e Gheirat (The Chronicle of Honor)*. Hamedan: Taleai Publishing (Appendix to the Hamedan Provincial Encyclopedia). [In Persian].
- Paperno, Irina. (2009). *Stories of the Soviet Experience: Memoirs, Diaries, Dreams*. Cornell University Press.
- Prendergast, C. (1992). *Paris and the Nineteenth Century*. Blackwell.
- Reed, W. L. (2011). *London calling: The urban chronotope of Romanticism*. Nonsite.org. DOI: <https://nonsite.org/london-calling-the-urban-chronotope-of-romanticism/>
- Rigney, A. (2012). *The Afterlives of Walter Scott: Memory on the Move*. Oxford University Press.
- Rizvi, K. (2011). *The Safavid dynastic shrine: Architecture, religion and power in early modern Iran*. I.B. Tauris.
- Rubóczki, Babett. (2021). Chronotopes of the City: Spatial Injustice and Narrative Form in Helena Maria Viramontes's *Their Dogs Came with Them*. *Social Critique*, 18(3), 401–420. DOI: [10.30608/HJEAS/2021/27/2/6](https://doi.org/10.30608/HJEAS/2021/27/2/6)
- Schizadeh, M., 2009, “City Transformation: An interpretive analysis of change in an historic city center: the case of Hamadan in Iran”. PhD Dissertation, Newcastle University, Faculty of Humanities and Social Sciences, School of Architecture, Planning and Landscape.
- Silva e Silva, F. (2022). Chronotopographies: Chronotopes and the crafting of fictions. *UnderCurrents: Journal of Critical Environmental Studies*, 21, Memories and Futurities. DOI: <https://doi.org/10.25071/2292-4736/40286>
- Zahir al-Dawla, A. Q. (1988). *Memoirs and Documents of Zahir al-Dawla*. Edited by Iraj Afshar (2nd ed.). Tehran: Zarrin Publishing. [In Persian].

امیل، لیون. چرخش روایی در شهرسازی: مرور انتقادی. ترجمه‌ی نوید پورمحمدرضا. در شنیدن شهر، تهران: اطراف، ۱۴۰۰، ص ۴۱–۴۳. آقامالی، ب. و سپهران، ک. (۱۴۰۰). سیاست هویت: بررسی غیاب شهر تهران در درام پهلوی اول. فصلنامه علمی پژوهشی تاتار، ۸۵ (۳)، ۵۶–۳۶.

باختین، میخائیل. (۱۴۰۰). تخیل مکالمه‌ای: جستارهایی درباره رمان. ترجمه رویا پورآذر. چاپ ششم. تهران: نشر نی. بلیان اصل، لیدا. (۱۳۹۵). تحلیل ساختار فضایی شهر تبریز در دوره صفوی با مقایسه تطبیقی سفرنامه‌ها و اسناد تصویری. باغ نظر، ۱۳ (۳۸)، ۵۶–۴۵.

توان، ی. ف. (۱۳۹۶). فضا و مکان: دیدگاهی تجربی. ترجمه: رسول سلیمانی، محسن سلیمانی. تهران: پرهام نقش. جکسون، ا. و. (۱۳۵۷). سفرنامه جکسون: ایران در گذشته و حال. ترجمه: منوچهر امیری، فریدون بدره‌ای. تهران: انتشارات خوارزمی. چریکف، م. (۱۳۵۸). سیاحتنامه مسیو چریکف. ترجمه: آبکار مسیحی. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی. چلبی، ا. (۱۴۰۴). ایران عصر صفوی در سیاحتنامه اولیاء چلبی. ترجمه: علی قادری نهاد. چاپ چهارم. قم: انتشارات یاس بخشایش. حبیبی، س. م. (۱۳۸۹). قصه شهر: تهران، نماد شهر نوپرداز ایرانی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. خبرگزاری ایسنا. (۱۴۰۲، ۹ خرداد). اهدای ۷۵ سند تاریخی از اوضاع و احوال همدان در دهه‌های ۳۰ تا ۵۰. کد خبر: ۱۴۰۲۰۳۰۹۰۵۹۴۴. <https://www.isna.ir/news/1402030905944>

ظهیرالدوله، علی خان قاجار. (۱۳۶۷). خاطرات و اسناد ظهیرالدوله. به کوشش ایرج افشار (چاپ دوم). تهران: انتشارات زرین.

قوامی، ب. و منصور، ن. (۱۴۰۲). تحلیل کرونوتوپ در مجموعه داستان «عزاداران بیل» غلامحسین ساعدی. فصلنامه علمی تحلیل گفتمان ادبی، (۱)، ۸۴-۱۰۸.

مظهری، م.، احمدی، ف. و رضایی، ع. (۱۴۰۳). بازنمایی فضا در آثار شهروشن پارسی‌پور. فصلنامه زبان و ادب فارسی، ۶۱ (۴)، ۶۶-۹۱. مورتی، ف. (۱۴۰۲). اطلس رمان اروپایی ۱۸۰۰ - ۱۹۰۰. ترجمه: مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: نشر نی. مهریار، م.، فتح‌الله‌یف، ش.، و فخاری تهرانی، ف. (۱۳۷۸). اسناد تصویری شهرهای ایرانی دوره قاجار. تهران: دانشگاه شهید بهشتی. نادرکردی، م. (۱۴۰۲). پایان داستان‌ها «پیوستار سکون در رمان فارسی دهه چهل». جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، ۲ (۴)، ۹۹-۱۲۰. نثری همدانی، س. م. (۱۳۹۹). تاریخ غیرت. همدان: انتشارات طلایی (پیوست دانشنامه استان همدان).

۱ مفهوم «کرونوتوپ» — Chronotope — تلفیقی از دو واژه یونانی کرونوس (زمان) — Chronos (χρόνος) — و توپوس (مکان) — Topos (τόπος) — است که نخستین بار توسط میخائیل باختین در نظریه روایت مطرح شد. باختین (۱۹۸۱) این اصطلاح را برای توصیف پیوند درونی زمان و مکان در ساختارهای روایی به کار گرفت و نشان داد که زمان و مکان نه تنها زمینه‌ای برای رخدادها، داستانی، بلکه عناصر فعالی در سازمان‌دهی معنا و شکل‌گیری روایت‌اند (باختین، ۱۴۰۰: ۱۳۶). به زعم او، کرونوتوپ‌ها نظم مفهومی روایت را شکل می‌دهند و عناصر پراکنده داستان را به شبکه‌ای معنادار بدل می‌کنند (باختین، ۱۴۰۰: ۲۳۲). باختین تأکید می‌کند که هر ژانر ادبی و هر دوره تاریخی، کرونوتوپ خاص خود را تولید می‌کند که بازتاب‌دهنده تحولات فرهنگی و برداشت‌های متفاوت از واقعیت است. او برای تبیین این نظریه، نمونه‌هایی چون کرونوتوپ «ماجراجویی»، «جاده»، «آستله»، «روستا» و «شهر» را معرفی می‌کند. در میان این‌ها، کرونوتوپ «شهر» به‌ویژه در رمان‌های مدرن، بستری برای بازنمایی پیچیدگی‌های اجتماعی، تاریخی و روانی است.

۲ نظریه نسبیّت خاص اینشتین (۱۹۰۵) بر آن است که زمان و مکان نه عناصر مستقل، بلکه ابعادی درهم‌تنیده از یک ساختار چهاربعدی موسوم به «فضازمان» هستند که در تعامل با سرعت و جرم تغییر می‌کنند. باختین از این ایده برای تبیین پیوند ناگسستنی زمان و مکان در روایت بهره گرفت. ۳ الکسی اوختمسکی، زیست‌شناس روس، در مطالعات خود درباره «تسلط غالب» — *dominanta* — نشان داد که چگونه محرک‌های خاص در مغز می‌توانند الگوهای زمانی و مکانی خاصی را فعال کنند. باختین از این ایده برای توضیح تمرکز روایی بر موقعیت‌های خاص فضازمانی استفاده کرد.

4 Literary Geography

5 Literary Mapping

6 Narrative Mapping

۷ نقشه تعاملی — Interactive Map — به هر نوع نقشه‌ای اطلاق می‌شود که امکان تعامل کاربر با اطلاعات فضایی را فراهم می‌کند؛ این تعامل می‌تواند از طریق انتخاب لایه‌ها، کلیک روی نقاط خاص، تغییر مقیاس، یا مشاهده جزئیات باشد. نقشه‌های تعاملی ممکن است دیجیتال باشند (در محیط‌های نرم‌افزاری یا وب) یا فیزیکی (مانند نقشه‌های چاپی با عناصر متحرک، لایه‌های شفاف، یا ابزارهای مکانیکی).

8 Atlas of the European Novel 1800–1900

9 Graphs, Maps, Trees: Abstract Models for a Literary History

10 Literary Atlas of Europe

11 Chronotopic cartography: Mapping literary time-space

12 Topoi Map

13 Toporefs (topographical references)

۱۴ سارا دیلون، در کتاب *The Palimpsest: Literature, Criticism, Theory*، مفهوم پالمپست را به‌طور قابل‌توجهی بازتعریف می‌کند. او بر "لایه‌بندی متنی" تأکید دارد و این دیدگاه را به جای تمرکز بر "حذف و پاک‌شدن متن اولیه" مطرح می‌کند. در این بازتعریف، دیلون پالمپست را به‌عنوان استعاره‌ای برای همزیستی و تعامل لایه‌های مختلف معنا، تاریخ و متن در یک چارچوب زمانی - مکانی مورد مطالعه قرار می‌دهد. این دیدگاه، مفهوم پالمپست را از صرفاً ابزاری برای بررسی نوشته‌های فیزیکی قدیمی به رویکردی گسترده‌تر برای بررسی رابطه میان‌متنی، حافظه تاریخی و هویت فرهنگی توسعه می‌دهد. کار دیلون به ویژه در نقد ادبی و نظریه فرهنگی تأثیرگذار بوده و کاربردهای بسیاری در زمینه مطالعات میان‌رشته‌ای یافته است.

15 Complete Map

16 Chronotopic Depth Map

17 Parlour

۱۸ کرونوتوپ مسلط به ساختار فضازمانی‌ای اشاره دارد که در یک اثر یا ژانر، نقش غالب در سازمان‌دهی روایت، کنش‌ها و معنا ایفا می‌کند. این کرونوتوپ معمولاً جهت‌گیری روایی متن را تعیین کرده و جهان‌بینی خاصی را تثبیت می‌کند (باختین، ۱۴۰۰: ۳۳۰-۳۳۱).

19 Chronotopes-Topoi Integration Map

۲۰ سبک پانورامیک در ادبیات - به ویژه در رمان‌های چارلز دیکنز - به شیوه‌ای روایی اشاره دارد که با چندپارهنگری فضایی و تعدد زاویه‌دیدهای اجتماعی مشخص می‌شود.

۲۱ رمان تربیتی - Bildungsroman - نوعی روایت ادبی است که بر رشد فردی، بلوغ روانی و اجتماعی شخصیت اصلی در بستر تجربه‌های زیسته تمرکز دارد؛ ساختاری که معمولاً با تنش میان فرد و جامعه همراه است و مسیر شکل‌گیری هویت را ترسیم می‌کند.

روش مثلث‌سازی یا Triangulation در روش تحقیق، به کارگیری چند رویکرد، منبع یا ابزار برای بررسی یک پدیده واحد است، با هدف افزایش اعتبار، دقت و جامعیت یافته‌ها. این روش به پژوهشگر کمک می‌کند تا از زوایای مختلف به موضوع نگاه کند و از وابستگی به یک منبع یا روش خاص پرهیز کند.

<sup>23</sup> Chronotopic Cartographies

<sup>24</sup> Literary Atlas of Europe

<sup>25</sup> نقشه‌های دیجیتال تعاملی – Interactive Digital Map – نقشه‌هایی هستند که در محیط‌های وب یا نرم‌افزارهای تخصصی طراحی می‌شوند و به کاربران اجازه می‌دهند با کلیک، جست‌وجو، یا فیلتر کردن داده‌ها، به اطلاعات لایه‌مند درباره مکان‌های داستانی، زمان وقوع رویدادها، شخصیت‌ها و روابط روایی دسترسی پیدا کنند. این نقشه‌ها معمولاً با استفاده از فناوری GIS، پایگاه داده‌های متنی، و ابزارهای تصویری طراحی می‌شوند و امکان تحلیل پویا و چندبعدی روایت را فراهم می‌کنند.

<sup>26</sup> هتروتوپیا برآمده از دو بخش هترو – Hetero – به معنای دیگر و متفاوت و توپیا – Topia – از توپوس به معنای مکان است. هتروتوپیا با مفهوم کرونتوپ (زمان مکان) تفاوت دارد، اما مکمل آن است. در حالی که کرونتوپ بر پیوند زمان و مکان در روایت‌ها تمرکز دارد، هتروتوپیا به فضاهای خاص و متمایز می‌پردازد که در آن‌ها این پیوندها با قدرت و نظم اجتماعی درهم‌آمیخته می‌شوند.

<sup>27</sup> Dissonant Urban Memories

<sup>28</sup> Relational Space

<sup>29</sup> Narrative Urbanism

<sup>30</sup> Of Other Spaces

<sup>31</sup> Memory Palimpsest

<sup>32</sup> Narrative Memory

<sup>33</sup> منظور از «نقش عاطفی» یک فضا، نقشی است که آن فضا در برانگیختن احساسات خاص (مانند ترس، افتخار، سوگ یا تعلق) در شخصیت‌ها یا خواننده ایفا می‌کند. این نقش معمولاً از طریق تکرار رویدادهای احساسی در مکان، بار معنایی تاریخی آن، یا تداعی‌های نمادین شکل می‌گیرد. یو — فو توان در کتاب *فضا و مکان: دیدگاهی تجربی* (۱۹۷۷)، به‌وضوح نشان می‌دهد که فضاها از طریق تجربه زیسته، خاطره، و احساسات، به مکان‌هایی با بار عاطفی تبدیل می‌شوند. اصطلاحاتی مانند عشق به مکان – topophilia – دقیقاً به همین نقش عاطفی اشاره دارند. در روایت تاریخ غیرت، میدان سنگ‌زار محل تجمع، اعدام، سوگواری و مقاومت است؛ بنابراین، به فضایی تبدیل می‌شود که حامل بار عاطفی — تاریخی است و در حافظه جمعی شخصیت‌ها و مخاطب تثبیت می‌شود.

<sup>34</sup> هتروتوپیا – Heterotopia – مفهومی است که میشل فوکو برای توصیف فضاهایی به کار می‌برد که همزمان واقعی و نمادین‌اند، و کارکردی متفاوت از فضاهای روزمره دارند. این فضاها می‌توانند نظم اجتماعی را بازتاب دهند یا به چالش بکشند، مانند زندان‌ها، بیمارستان‌ها، موزه‌ها یا میدان‌های عمومی. فوکو شش ویژگی برای هتروتوپیا برمی‌شمارد، از جمله ظرفیت گردآوری زمان‌ها و مکان‌های ناهماهنگ، و ایفای نقش در بحران یا انحراف اجتماعی.